

# بررسی تاریخی تنوع مدارس در ایران (ملاحظات سیاستگذاری)

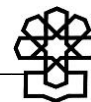
معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی  
دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ

کد موضوعی: ۲۷۰  
شماره مسلسل: ۱۷۰۵۲  
اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده.....
۲	مقدمه.....
۵	بخش اول - عوامل مؤثر بر شکل‌گیری انواع مدارس در ایران.....
۶	معیارهای درونی تعیین انواع مدرسه.....
۷	معیارهای بیرونی تعیین انواع مدرسه.....
۷	نسبت معیارهای درونی و بیرونی تعیین انواع مدرسه.....
۸	بخش دوم- روند شکل‌گیری و حذف انواع مدارس در نظام آموزشی ایران در دوره مدرن.....
۸	دوره اول - تنوع‌یابی مدارس از آغاز تا شکل‌گیری نهاد قانونگذاری (دوره پیش از مشروطیت).....
۹	انواع مدارس پیش از مشروطیت.....
۱۰	معیارهای تعیین‌کننده انواع مدرسه پیش از مشروطیت.....
۱۳	جمع‌بندی دوره اول.....
۱۵	دوره دوم: تنوع‌یابی مدارس از تشکیل مجلس قانونگذاری تا جنگ جهانی دوم.....
۱۵	۱. تنوع مدارس از قانون اساسی معارف (۱۲۹۰ ش) تا قانون شورای عالی معارف (۱۳۰۰ ش).....
۱۷	۲. تنوع مدارس از ابتدای شورای عالی معارف (۱۳۰۰ ش) تا تأسیس دولت پهلوی (۱۳۰۴ ش).....
۲۰	۳. تنوع مدارس از تأسیس دولت پهلوی (۱۳۰۴ ش) تا تأسیس دانشگاه تهران (۱۳۱۳ ش).....
۲۳	۴. تنوع مدارس از تأسیس دانشگاه تهران (۱۳۱۳ ش) تا پایان دوره پهلوی اول (۱۳۲۰ ش).....
۲۵	جمع‌بندی دوره دوم.....
۲۶	دوره سوم: تنوع‌یابی مدارس از تحولات جنگ جهانی دوم تا پایان دوره پهلوی.....
۲۷	۱. گونه‌های مدارس از آغاز آشفته‌گی‌های جنگ جهانی (۱۳۱۸) تا ورود مشاوران ماورای‌بحار (۱۳۲۷).....
۲۸	۲. گونه‌های مدارس از آغاز ورود مشاوران ماورای‌بحار (۱۳۲۷) تا پایان اجرای اصل چهار ترومن (۱۳۳۴).....
۳۰	۳. تنوع مدارس از تعطیلی دفتر اصل چهار (۱۳۳۴ ش) تا پایان دوره پهلوی (۱۳۵۷ ش).....
۳۴	جمع‌بندی دوره سوم.....
۳۵	دوره چهارم- تنوع مدارس پس از انقلاب اسلامی.....
۳۹	چالش تعدد مراجع تصمیم‌گیری.....
۴۲	جمع‌بندی دوره چهارم.....
۴۳	بخش سوم- پاسخ به سؤالات گزارش.....
۵۱	بخش چهارم - یافته‌های نهایی - ملاحظات لازم برای سیاستگذاری درباره تنوع‌بخشی یا حذف انواع مدارس.....
۵۴	منابع و مأخذ.....



## بررسی تاریخی تنوع مدارس در ایران (ملاحظات سیاستگذاری)

### چکیده

تنوع مدرسه و مکتبخانه در ایران پیشینه‌ای طولانی دارد و محدود به دوره مدرسه جدید نیست. اما این مسئله در دوره معاصر شکل پیچیده و گسترده‌تری به خود گرفته و در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و شوراهاى مختلف سیاستگذاری جهت مدارس آموزش و پرورش محل بحث و نزاع واقع شده است. از همین رو این گزارش در تلاش است تا با تبیین تاریخی مسئله تنوع مدارس از ابتدای شکل‌گیری مدرسه جدید در ایران، فراز و فرود این‌گونه‌ها را نشان داده و ضمن تحلیل معیارهایی که منجر به تأسیس یا حذف گونه‌ای خاص شده به این پرسش‌های کلیدی پاسخ دهد که ۱. معیارهای شکل‌گیری انواع مدارس در نظام آموزشی ایران چیست؟ ۲. دوره‌بندی، عوامل و شرایط مؤثر بر شکل‌گیری یا حذف انواع مدارس چیست؟ ۳. چه ملاحظاتی برای تصمیم‌سازی درباره پذیرش یا عدم‌پذیرش انواع مدارس لازم است؟

از مهم‌ترین یافته‌های گزارش می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. با توجه به واقعیت‌های برخاسته از شرایط و ویژگی‌های دانش‌آموزان، شاخصه‌های برخاسته از فلسفه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه ایران، تنوع مدارس امری اجتناب‌ناپذیر است.

۲. تنوع مدارس نه از سر علاقه و سلیقه، بلکه مبتنی بر معیارها و ملاک‌های برخاسته از واقعیت‌هاست. به همین دلیل برای تأسیس یا حذف گونه‌ای مدرسه باید مبنای آن به روشنی اعلام شود.

۳. در طول دوره صدو هشتاد ساله ورود مدرسه جدید به ایران، هیچ‌یک از معیارهای تنوع‌بخشی به مدارس حذف نشده است و تا امروز معیارهای پیشین کماکان به رسمیت شناخته می‌شوند.

۴. موضوع تنوع‌بخشی یا حذف انواع مدارس با رویکرد تحول‌گرایی بنیادین در آموزش و پرورش ارتباط دارد، اما رویکرد موجود تنوع‌بخشی مانعی برای آن محسوب می‌شود، زیرا انواع مدارس عمدتاً بر انواع دانش‌آموز متمرکز است نه انواع مدیریت و انواع محتوایی که می‌تواند زمینه‌ساز تحول باشد.

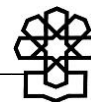
از دیگر یافته‌های گزارش آن است که همواره تأسیس انواع مدارس بسیار راحت‌تر از حذف آنها بوده است. این امر، به‌ویژه در دوره جمهوری اسلامی ایران از مصادیق بیشتری برخوردار است. در حالی

که ممکن است معیارهای پشتیبان تأسیس یک نوع مدرسه منتفی شده باشد و یا ارزیابی نتایج تأسیس نوع معینی از مدرسه لزوم تجدیدنظر در ادامه کار مدرسه را تأیید کند. به همین دلیل لازم است در تأسیس گونه‌های جدید، شرایط حذف آن گونه نیز در صورت رفع ضرورت آن، پیش‌بینی شود. از چالش‌های اساسی کنونی در حوزه تنوع مدارس وجود مراجع سیاستگذاری و تصمیم‌گیری متنوعی است که بدون تعریف درست و مشخص در سطوح مختلف مسئله و گاه در تقابل با هم عمل می‌کنند و تهدیدهایی را برای یکپارچگی و حاکمیت فلسفه بنیادین مدرسه و رسالت آن در انواع مدرسه موجب می‌شوند. نسبت هر یک از مراجع تصمیم‌گیری با معیارهای تعیین انواع مدارس، می‌تواند ورود اصولی مراجع سیاستگذاری به تنوع مدارس را تعریف کند به این نحو که؛ مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند درباره مسائل کلان بیرون از آموزش و پرورش (یکی در حوزه مجموع مسائل ملی و دیگری از منظر چشم‌انداز کلان فرهنگی) راهبری نمایند و شورای عالی آموزش و پرورش که ذیل وزارت آموزش و پرورش و برای بررسی همین مسائل تخصصی تعریف شده است از درون آموزش و پرورش یا مؤلفه‌های اساسی درونی مسئله را بررسی نماید.

بر این اساس، با توجه به حوزه تخصص، مرجع تصمیم‌گیری درباره تنوع مدارس یا حذف انواع مدارس، شورای عالی آموزش و پرورش است. اما زمانی که مسائل کلان ملی و فرهنگی (معیارهای بیرونی) مستلزم اقدامات آموزشی و احتمالاً تأسیس مدرسه هستند، مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی از وزارتخانه و شورای عالی آموزش و پرورش بخواهند تا بهترین روش پاسخگویی به این مطالبه و نیاز را بررسی و تصمیم‌گیری کنند. چه بسا یک راه‌حل مستقیم در قالب تأسیس مدرسه‌ای خاص بهترین راه‌حل نباشد و راه‌حل‌های مؤثرتری برای پاسخگویی به مطالبات ملی یا فرهنگی قابل تعریف باشد.

#### مقدمه

تنوع مدارس گذشته‌ای طولانی دارد. پیش و پس از ورود مدارس جدید (از ۱۸۰ سال پیش) مکتبخانه‌ها به عمومی، وقفی (ویژه کودکان بی‌سرپرست)، خصوصی (در خانه متمولین) و همچنین به مکتبخانه‌های پسرانه، دخترانه و مختلط تقسیم می‌شده است (تکمیل همایون، ۱۳۸۵: ۲۷-۲۸). با ورود مدارس جدید به ایران، این مدارس نیز انواع مختلفی یافتند. مدارس اقلیت‌های دینی (مسیحیونری و زرتشتی و یهودی)، مدرسه کودکان مسلمان (مدرسه رشديه) و مدرسه ایتام و پس از مشروطیت نیز مدرسه‌های دولتی، ملی، دخترانه و پسرانه و حتی مدرسه‌های تربیت‌معلم (دارالمعلمین و دارالمعلمات) از جمله این موارد هستند. امروزه نیز مدارس انواع مختلفی دارند.



در سال‌های اخیر مجلس شورای اسلامی به تصویب «قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی» (مصوب ۱۳۹۵/۹/۱۴) و مصوبه بی‌سرانجام حذف تنوع مدارس در قالب ماده (۶) طرح تنظیم بخشی از مقررات مالی، اداری و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش (پاییز ۱۳۹۸) اقدام کرد؛<sup>۱</sup> زیرا نسبت وجود تنوع در مدارس با تحقق عدالت آموزشی مورد چالش و تردید قرار گرفته بود. درحالی که امکان حذف تنوع مدارس و یکسان‌سازی آنها موضوعی قابل بررسی از جوانب مختلف است و یکی از این جوانب بررسی «مبنا یا فلسفه شکل‌گیری انواع مدارس در آموزش و پرورش ایران» است. تا با توجه به یافته‌های آن، دلایل و عوامل ایجاد انواع مدارس روشن و ملاحظات لازم در تصمیم‌گیری‌های مربوطه توسط نهادهای قانونی و تصمیم‌ساز آشکار شود.

اهمیت این پژوهش برخاسته از اهمیت تصمیم‌گیری‌ها و مصوبات نهادهای قانونگذاری مانند مجلس شورای اسلامی، شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره آموزش و پرورش است. زیرا پیامدهای این تصمیمات، جامعه مخاطبان گسترده آموزش و پرورش مشتمل بر حدود ۱۴ میلیون دانش‌آموز و خانواده‌های ایشان را مستقیماً تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و نقشی تعیین‌کننده در حوزه سیاستگذاری و قانونگذاری آموزشی کشور ایفا می‌کند. در این مورد خاص، تعیین مجوز تأسیس یا حذف هر نوع مدرسه، می‌تواند منجر به فرصت‌ها و تهدیدهایی برای تحصیل فرزندان آحاد جامعه گردد. لذا هرگونه تصمیم‌گیری در این باره مستلزم بررسی دقیق است تا مانع خسارت‌های غیرقابل‌جبران برای ایشان و به نوبه خود، خسارت نهادهای متأثر از آموزش و پرورش کشور شود.

بر همین اساس، پژوهش پیش‌رو با هدف «بررسی روند شکل‌گیری و حذف انواع مدارس در نظام آموزشی ایران»، برای پاسخیابی به چند سؤال اساسی در این‌باره اقدام می‌کند:

۱. معیارهای شکل‌گیری انواع مدارس در نظام آموزشی ایران چیست؟
  ۲. دوره‌بندی، عوامل و شرایط مؤثر بر شکل‌گیری یا حذف انواع مدارس چیست؟
  ۳. چه ملاحظاتی برای تصمیم‌سازی درباره پذیرش یا عدم‌پذیرش انواع مدارس لازم است؟
- برای پاسخگویی به این پرسش‌ها، بررسی اسناد منتشر شده، اسناد و مصوبات مراجع قانونی مربوط به عرصه مدرسه، تحلیل محتوای یافته‌های به‌دست آمده و استنتاج از یافته‌های نهایی برای نیل به ملاحظات تصمیم‌سازی استفاده می‌شود. در همین راستا لازم است تا مفاهیم کلیدی و اصلی این موضوع که خطوط اصلی پژوهش است، تعریف شود. منظور از «تنوع مدارس»، انواع مختلف مدرسه‌هایی است که از آغاز ورود مدرسه جدید در ایران تا امروز شکل گرفته‌اند و حداقل مدتی فعال بوده‌اند. منظور از «عوامل شکل‌گیری و حذف مدرسه»، مؤلفه‌ها و عواملی هستند که به دلایل مختلف

۱. توضیح آنکه ماده (۶) طرح مذکور درخصوص انحصار مدارس به دو شکل دولتی و غیردولتی پس از ایراد شورای نگهبان، سرانجام در صحن مجلس حذف گردید.

ایجاد یا حذف نوعی از مدرسه را ضروری می‌سازند و منظور از «معیارهای تعیین انواع مدارس»، زیربنایی‌ترین عواملی هستند که برای شکل‌گیری یک نوع مدرسه نقش اصلی را ایفا می‌کنند و هر نوع مدرسه را از نوع دیگر آن متمایز می‌کند. این عوامل از یک سو با فلسفه آموزش و پرورش و از سوی دیگر با فلسفه اجتماعی-سیاسی و نیازها و محدودیت‌های زمینه‌ای و واقعی پیوند دارند.

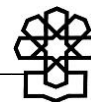
شاید اولین پژوهشی که با نگاه احصای جامع گونه‌های مدارس در ایران انجام شده است، پژوهشی باشد که تیم مستشاری آمریکایی برای تدوین اولین سند توسعه هفت‌ساله کشور در سال ۱۳۲۷ انجام داده‌اند. در بخش آموزش، ابتدا توصیفی از وضع موجود مدارس بیان شده است. این توصیف نتیجه بازدید ۱۹۰ مدرسه از گونه‌های مختلف در چهل شهر و شهرستان و ۱۴ منطقه روستایی، مصاحبه‌هایی از اعضای پیشین وزارت معارف، رهبران برجسته تربیتی، معلمان، کارخانه‌داران (در ارتباط با مدارس فنی)، رؤسای قبایل و عشایر، همچنین بررسی گسترده اسناد و مدارک رسمی آموزش و پرورش ایران است.<sup>۱</sup> در بخش توصیفی این سند ۱۰ گونه مدرسه که مشتمل بر مهدکودک‌ها، مدارس ابتدایی، مدارس متوسطه، دانشگاه‌ها، مراکز تربیت‌معلم، مدارس فنی و حرفه‌ای، مدارس خاص، مدارس شبانه، مدارس مذهبی، رسانه‌های آموزش جمعی برشمرده است. همان‌گونه که مشخص است معیار تنوع مدارس در این پژوهش بسیار بازتر از آن چیزی است که امروزه مد نظر است.

پژوهش دیگری که با نگاه جامع به گونه‌های مدارس، اما در دوره محدود زمانی صورت گرفته، اثر اقبال قاسمی‌پویا با عنوان «مدارس جدید در دوره قاجار»<sup>۲</sup> است. دوره قاجار (۱۱۶۱-۱۳۰۴) که محدوده مورد توجه این پژوهش است، دوره‌ای است که تلاش‌های مردمی و میسیونری نقش اساسی در شکل‌گیری و تنوع مدارس دارد و تا پیش از مجلس مشروطه گونه‌های دولتی مدارس همچون دارالفنون بسیار محدود هستند. اثر دیگری که در این حوزه به‌عنوان پیشینه پژوهشی می‌توان به آن اشاره کرد، پژوهشی با عنوان «بررسی کارکردهای آشکار و پنهان تنوع و چندگونگی مدارس»<sup>۳</sup> است که به‌عنوان طرح پژوهشی از سوی شورای عالی آموزش و پرورش مطرح شده است و پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۳ آن را اجرا کرده است. این پژوهش ۱۱ گونه از مدارس را با تهیه مصاحبه‌های عمیق و تحلیل داده‌ها از جهت کارکردی ارزیابی کرده است.

1. Overseas Consultants. (1949). Report on seven-year development plan for the Plan Organization of the Imperial Government of Iran. V. 2. Public health education. New York. 1949.

۲. اقبال قاسمی‌پویا، (۱۳۷۷)، مدارس جدید در دوره قاجار: بنیان و پیشروان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

۳. پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، (۱۳۹۳)، بررسی کارکردهای آشکار و پنهان تنوع و چندگونگی مدارس، شورای عالی آموزش و پرورش.



و در نهایت مهم‌ترین پژوهش‌های اخیر در ارتباط با موضوع پیش‌رو که مهم‌ترین بخش پیشینه پژوهشی را تشکیل می‌دهند، دو گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس‌اند که در سال‌های ۱۳۹۵<sup>۱</sup> و ۱۳۹۸<sup>۲</sup> اجرا شده‌اند. پژوهش سال ۱۳۹۵ مرکز پژوهش‌ها با عنوان «گونه‌شناسی مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران»، ۲۳ گونه مدرسه تا آن سال را برشمرده و مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهد. اما پژوهش سال ۱۳۹۸ در ارتباط با مصوبه حذف تنوع مدارس، با عنوان «اظهار نظر کارشناسی: درباره حذف تنوع مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران» به بررسی وجوه حقوقی و قانونی این مسئله می‌پردازد. پژوهش پیش‌رو در نسبت مستقیم با دو طرح پژوهشی پیشین و با هدف بررسی وجوه تاریخی این مسئله تعریف شده و در نهایت در بخش پایانی با عنوان **ملاحظات لازم برای سیاستگذاری و تصمیم‌سازی درباره تأیید یا حذف انواع مدارس**، چکیده حاصل از نتایج را ارائه خواهد نمود.

### بخش اول - عوامل مؤثر بر شکل‌گیری انواع مدارس در ایران

بی‌شک اولین گام در بررسی تاریخی انواع مدارس در آموزش و پرورش ایران، یافتن معیارهای تعیین انواع مدارس است. انواع مختلف مدارس، خود موضوع مطالعات نظری در رشته‌های مختلف علوم تربیتی است. اما در این پژوهش که در پی شناخت انواع مدارس، روند شکل‌گیری و حذف آنها در نظام آموزشی ایران است، این معیارها باید در تاریخ مدرسه جدید جستجو شود و یافتن آنها گام نخست در بررسی دلایل شکل‌گیری یا حذف انواع مختلف مدرسه خواهد بود.

مطالعه تاریخ مدرسه و انواع آن از آغاز شکل‌گیری تا امروز، حاکی از آن است که انواع مدارس ثابت نبوده‌اند، بلکه عوامل مختلفی در جریان تحولات اجتماعی، سیاسی و آموزشی در تنوع‌بخشی به مدارس مؤثر بوده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نمی‌توان در جستجوی این معیارها به دوره‌بندی براساس حکومت‌ها (قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی)، اکتفا نمود، بلکه با توجه به سیر تاریخی مدرسه، تنوع مدارس به تحولات فکری، ظهور قانون و نهادهای قانونگذار و دولتی‌شدن آموزش بیش از تغییر حکومت‌ها وابسته است. با توجه به این عوامل، چهار دوره مختلف و مؤثر در تعیین معیارهای انواع مدارس در ایران قابل تشخیص است:

**دوره اول:** دوره پیش از مشروطیت که قانونی درباره آموزش و پرورش وجود ندارد. در این دوره تنوع مدارس از تحولات فکری و غلبه گفتمان خروج از عقب‌ماندگی متأثر است.

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۵). گونه‌شناسی مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران، مجلس شورای اسلامی.

۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۸)، اظهارنظر کارشناسی درباره حذف تنوع مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران، مجلس شورای اسلامی.

**دوره دوم:** دوره پس از مشروطیت که با شکل‌گیری نهاد قانونگذاری و تصویب قوانین مربوط به آموزش و پرورش آغاز می‌شود و با شورای عالی معارف در سال ۱۳۰۰ هجرت قانونی می‌یابد. این دوره تا آغاز جنگ جهانی دوم ادامه دارد و در تعیین تنوع مدارس نقش اصلی را ایفا می‌کند.

**دوره سوم:** دوره آغاز تحولات جنگ جهانی دوم تا پایان دوره پهلوی که تعدد مراجع تصمیم‌گیری و حضور آمریکایی‌ها در نظام آموزشی ایران در تعیین تنوع مدارس نقش اصلی را ایفا می‌کند.

**دوره چهارم:** دوره تأسیس جمهوری اسلامی که تغییر در گفتمان دینی-فرهنگی و تغییر و تحول در نهادهای قانونگذاری نقش اصلی را در تعیین تنوع مدارس برعهده دارند.

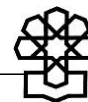
جستجوی عوامل تعیین‌کننده تنوع مدارس و یافتن معیارهای تعیین انواع مدرسه در تاریخ آموزش جدید ایران، دو مفهوم اصلی را نمایان می‌کند: معیارهای درونی تعیین انواع مدرسه و معیارهای بیرونی. این دو مفهوم مرتبط و در عین حال متفاوت هستند.

### معیارهای درونی تعیین انواع مدرسه

منظور از معیارهای درونی، معیارهایی است که ریشه در خود آموزش و پرورش و اقتضانات آن داشته باشد. معیارهای درونی، ارکان اصلی آموزشی هستند که اولین و اساسی‌ترین عامل ایجاد تنوع مدارس به شمار می‌روند. معیارهای درونی تعیین انواع مدرسه، سه رکن اصلی مدرسه هستند: مؤسس مدرسه و مدیریت آن، دانش‌آموزان، محتوای آموزشی. وجود این سه رکن برای شکل‌گیری و فعالیت هر مدرسه‌ای ضروری است و هر یک دارای جایگاه و وظایف معینی هستند که براساس هدف و رسالت مدرسه (آموزش و پرورش) تعریف شده‌اند.

در واقع این معیارها، تعریف‌کننده انواع مدرسه‌ها و شاخص دسته‌بندی مدارس هستند که از واقعیت‌ها و منطق آموزش و پرورش در چارچوب مدرسه به دست می‌آیند. مطالعه تاریخی روند شکل‌گیری مدارس در نظام آموزشی مدرن ایران، نشان می‌دهد که بر این اساس، انواع مدارس حداکثر در سه دسته جای می‌گیرند:

- انواع مدارس با توجه به انواع مؤسس و مدیریت مدرسه؛ مثال: مدارس دولتی، مدارس غیردولتی،
  - انواع مدارس با توجه به انواع دانش‌آموز: مثال؛ مدارس دخترانه، پسرانه
  - انواع مدارس با توجه به انواع برنامه‌درسی و محتوایی: مثال؛ هنرستان، مدارس حرفه‌ای
- هیچ نوع مدرسه‌ای خارج از این سه معیار اصلی در طول تاریخ آموزش مدرن ایران، قابل‌شمارش نیست.



## معیارهای بیرونی تعیین انواع مدرسه

منظور از معیارهای بیرونی عواملی است که خارج از مدرسه و اقتضائات درونی آن، بر فرایندهای مدرسه‌ای و همچنین تنوع مدارس اثرگذارند. هر نوع مدرسه‌ای فارغ از اینکه مبتنی بر کدام یک از معیارهای سه‌گانه فوق‌الذکر شکل گرفته باشد، انواع یا گونه‌های متعددی را شامل می‌شود که علت شکل‌گیری آنها، واقعیت‌هایی برخاسته از شرایط بیرونی مدرسه است. این واقعیت‌ها مبنای تشکیل انواع مدرسه هستند و می‌توان آنها را به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

واقعیت‌های برخاسته از شرایط و ویژگی‌های دانش‌آموزان؛ به عنوان مثال؛ مدارس استثنایی  
واقعیت‌های برخاسته از فلسفه سیاسی- اجتماعی و فرهنگی و شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه ایران؛ به عنوان مثال؛ مدارس شاهد، مدارس اقلیت‌های مذهبی، هنرستان‌های صنعتی  
شاخص‌های درون‌مدرسه‌ای، شاخص‌های ثابت تعیین انواع مدارس هستند. درحالی که معیارهای بیرونی شاخص‌های برون‌مدرسه‌ای و وابسته به شرایط جوامع‌اند و به تبع آنها تغییر می‌کنند، لذا شاخص‌های متغیر تعیین‌کننده انواع مدارس هستند.  
به این ترتیب، براساس یافته‌های پژوهش می‌توان از دو دسته عوامل تعیین‌کننده انواع مدرسه صحبت کرد:

- **معیارهای درونی انواع مدرسه**، شاخص‌های درون‌مدرسه‌ای در تعیین انواع مدارس دخیل هستند. شاخص‌های درون‌مدرسه‌ای نیز خود در واقع متکی بر مبانی تاریخی- علمی تعلیم و تربیت هستند که در تمامی جوامعی که مدرسه نهاد آموزش و تحصیلات در آنهاست، ثابت است. بنابراین، معیارهای درونی شاخص‌های ثابت تعیین انواع مدارس هستند.
- **معیارهای بیرونی انواع مدرسه**، شاخص‌های برون‌مدرسه‌ای در تعیین انواع مدارس دخیل هستند. این شاخص‌ها که کاملاً متکی بر شرایط اجتماعی- سیاسی و اقتصادی- محیطی جوامع هستند، به‌واسطه تفاوت‌های جوامع و نیز تفاوت‌های دوره‌ای هر جامعه در دوره‌های تاریخی، متفاوت و متغیرند. لذا معیارهای بیرونی، شاخص‌های متغیر تعیین انواع مدارس هستند.

## نسبت معیارهای درونی و بیرونی تعیین انواع مدرسه

با توجه به اینکه شاخص‌های بیرونی تعیین انواع مدرسه در چارچوب شاخص‌های درونی می‌توانند انواعی از مدرسه را تعیین کنند، بنابراین در تعیین و تعریف هر نوع مدرسه، معیارهای بیرونی صورت‌بخش معیارهای درونی خواهند بود و نمی‌توانند خواستار نوعی از مدرسه شوند که ناقض جایگاه و وظایف ارکان مدرسه با توجه به رسالت و هدف آن باشد. اینکه مدرسه مؤسسی داشته باشد، دانش‌آموزان و محتوای آموزشی داشته باشد (معیارهای درونی) گریز ناپذیر است، اما اینکه این مؤسس

که باشد، چه گروه‌های اجتماعی امکان ثبت‌نام فرزندان‌شان را در مدارس (حتی گونه‌های خاص) داشته باشند و اینکه در این مدارس چه محتوایی آموزش داده شود، مسئله‌ای است که در طول تاریخ معاصر در حال تغییر و تحول بوده و این تغییر و تحولات براساس نیازهای جامعه، تحولات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و مواردی از این دست که معیارهای بیرونی هستند رخ داده است. در ادامه ضمن بررسی روند تنوع‌یابی مدارس در هر دوره، معیارهای تنوع‌بخشی و نیز انواع مدارس شکل‌گرفته در هر دوره ارائه خواهند شد.

### بخش دوم - روند شکل‌گیری و حذف انواع مدارس در نظام آموزشی ایران در دوره مدرن

همان‌طور که ذکر شد، در شکل‌گیری انواع مدرسه، چهار دوره تاریخی را می‌توان تشخیص داد. در اینجا این روند در هر دوره مستقلاً بررسی می‌شود.

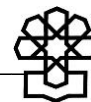
#### دوره اول - تنوع‌یابی مدارس از آغاز تا شکل‌گیری نهاد قانونگذاری (دوره پیش از مشروطیت)

این دوره، سرآغاز تأسیس مدارس جدید با هدف گسترش آموزش در میان آحاد جامعه و آموزش‌های تخصصی برای رفع نیازهای نوظهور است.

بررسی دوره اول که در دوره زمانی حکومت قاجاریه واقع شده است، از تأسیس اولین مدرسه‌های میسیونری در ایران آغاز می‌شود. در اینجا با توجه به موضوع مورد بررسی، ابتدا انواع مدارس در عصر قاجار<sup>۱</sup> مرور می‌شود و آن‌گاه فرایند و عوامل و معیارهای شکل‌گیری انواع مدارس تا پیروزی انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس قانونگذاری بررسی می‌شود.

اگرچه پیش از مدارس جدید، مکتب‌خانه‌ها در تاریخ آموزش و پرورش ایران قدمتی بسیار دیرینه دارند، اما اولین مدارس جدید در عصر قاجار (۱۱۶۱-۱۳۰۴)، مدرسه‌های گروه‌های میسیونری بود که به تدریج سایر اقلیت‌های مذهبی زرتشتی و کلیمی را نیز به تأسیس مدرسه تشویق کرد. ایرانیان مسلمان در تأسیس این مدارس نقشی نداشتند. تأسیس مدرسه جدید توسط ایرانیان مسلمان با مدرسه تخصصی دارالفنون (در تهران و تبریز) آغاز شد. بعد از مدتی مدرسه‌ای به‌عنوان مدرسه ضمیمه دارالفنون به نام مدرسه مشیریه با هدف آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به دارالفنون تأسیس شد (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۷: ۲۸۶). اما الگوی اصلی مدرسه جدید ایرانی در واقع مدرسه رشدیه<sup>۲</sup> بود که پس از

۱. بر اساس گزارش‌های کتاب دکتر اقبال قاسمی‌پویا (۱۳۷۷)، مدارس جدید در دوره قاجار، بانیان و پیشروان، تهران، نشر دانشگاهی.  
 ۲. الگوی مدارس نوین رشدیه در اصل ریشه در سرزمین‌های عثمانی دارد. میرزا حسن تبریزی (ملقب به رشدیه) در سال ۱۲۹۸ ق با عزیمت به بیروت و ۲ سال تحصیل در یکی از مدارس نوین این شهر که معلمان آن آموزش‌دیده مدرسه فرانسوی بودند، اصول تعلیم و تربیت نوین را فرا گرفت و از راه استامبول رهسپار ایران گشت. در استامبول نیز از یکی از مدارس جدید دیدن کرده، سازمان آن را پسندید و به‌خاطر سپرد. او با سفر به ایروان اولین مدرسه نوین ایرانیان را در ایروان و برای کودکان ایرانی آن سرزمین تأسیس نمود. پس از آن با عزیمت به ایران تا پایان عمر خود مدرسه‌ای در تبریز، مشهد و تهران تأسیس نمود و سنگ‌بنای تأسیس مدارس نوین به دست مؤسسین ایرانی را نهاد. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: شمس‌الدین رشدیه، سوانح عمر، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۲.



یک دوره تلاش ده ساله از سال ۱۲۶۷ شمسی، بالاخره در سال ۱۲۷۶، ده سال قبل از پیروزی انقلاب مشروطه تثبیت شد. از این تاریخ تا زمان پیروزی مشروطیت، نزدیک به ۵۰ مدرسه جدید با الگوی رشدیه در سطح کشور تأسیس شدند.<sup>۱</sup>

پس از مشروطه تلاش برای افزایش تعداد مدارس از سوی مردم و نیز وزارت معارف که براساس متمم قانون اساسی مشروطه موظف به این امر بود، به تأسیس نزدیک به ۱۰۵۰ مدرسه انجامید.<sup>۲</sup> میانگین جمعیت دانش‌آموزی هر مدرسه در حدود ۸۰ نفر قابل‌تخمین است (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۷: ۳۲۵-۳۲۳).

### انواع مدارس پیش از مشروطیت

بررسی گزارش‌های مربوط به تأسیس مدارس در این دوره، مؤید آن است که مدارس جدید در این دوره انواع محدودی دارند، اما هریک از این انواع تعداد متفاوتی دارند. مجموعه این مدارس که با عنوان‌های مختلفی ذکر شده‌اند، در یک دسته‌بندی عبارتند از:

- مدارس ابتدایی و متوسطه؛
- مدارس دخترانه و پسرانه؛
- مدارس تخصصی اولیه: مدارس کشاورزی، صنعتی، مدرسه نقاشی، مدرسه موزیک و مدرسه نظام؛
- مدارس تخصصی عالی: دارالفنون، سیاست، حقوق، تجارت، فلاح، طب، دندان‌سازی و داروسازی؛
- مدارس ویژه نابینایان (۱۲۹۹) و کرولال‌ها (۱۳۰۳)؛<sup>۳</sup>
- مدارس تربیت‌معلم: دارالمعلمین و دارالمعلمات؛
- مدارس اقلیت‌های مذهبی: مدارس میسیونرهای مسیحی، مدارس زرتشتی، مدارس یهودی و مدارس بهایی؛
- مدارس ملی و مدارس دولتی؛
- مدارس ایتام، مدارس سادات، مدارس شبانه‌روزی (مدارس رایگان ویژه فرزندان تهیدستان)، مدارس خیریه؛
- کلاس‌های اکابر؛<sup>۴</sup>
- کلاس‌های زبان خارجی و مترجمی.

۱. همان، ص ۲۸۸.

۲. براساس فهرست نام مدارس در قاسمی‌پویا، ۱۳۷۷، بخش ضمایم کتاب.

۳. این مدارس البته متعلق به دوره پس از مشروطیت و پیش از پهلوی هستند که برای ارائه توصیف از انواع مدارس تا حوالی دوره پهلوی ذکر شده‌اند.

۴. استفاده از عنوان کلاس برای آموزش اکابر و آموزش مترجمی، با عنوان مدرسه قابل جمع است. زیرا در این موارد، کلاس درحکم مدرسه بوده و نقش مدرسه را از نظر کارکرد ایفا می‌کند.

### معیارهای تعیین‌کننده انواع مدرسه پیش از مشروطیت

مطالعه درباره علل تأسیس و افزایش مدارس و نیز تلاش‌هایی که در این دوره صورت گرفته است، نشان می‌دهد که واقعیت‌هایی که موجب تأسیس اولین مدارس در ایران شد، باور به عقب‌ماندگی ایران و لزوم رفع آن، در کنار باور به اهمیت تحصیل برای نیل به پیشرفت بود. وجود این دو باور، زمینه‌ساز گرایش دولتمردان به تأسیس مدرسه جدید شد.

معیار اول - باور به عقب‌ماندگی از غرب و لزوم رفع عقب‌ماندگی و نیل به پیشرفت  
 معیار دوم - اهمیت تحصیل برای رفع عقب‌ماندگی و نیل به پیشرفت  
 نتیجه: آمادگی فکری - روانی برای تأسیس مدرسه در میان اهل حکومت

وجود این آمادگی بود که موجب شد وقتی اولین درخواست‌ها برای تأسیس مدرسه از هیئت‌های مبلغ مسیحی آمریکایی و فرانسوی به شاه قاجار رسید، این درخواست‌ها پذیرفته و اولین مدرسه‌های جدید در ایران تأسیس شد.

معیار سوم - به رسمیت‌شناختن و رعایت حقوق اهل کتاب  
 نتیجه: تأسیس اولین مدرسه‌های جدید توسط هیئت‌های میسیونری مسیحی و سپس سایر اقلیت‌های مذهبی کشور

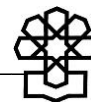
اینها اولین مدارس جدید در ایران بودند؛ بنابراین اولین نوع مدارس تأسیس‌شده، بر مبنای دین مؤسسین شکل گرفت. با فاصله چند دهه، یک مدرسه تخصصی دولتی (دارالفنون) و چهل سال پس از آن اولین مدرسه جدید توسط یک مسلمان (مدرسه رشديه) نیز تأسیس شدند.<sup>۱</sup> معیارهای سه‌گانه فوق به نوبه خود، مبنای ایجاد هدف‌هایی برای آموزش و تأسیس مدرسه در کشور شدند: لازمه پیشرفت؛ تحصیل و تخصص و لازمه تحصیل و تخصص؛ ایجاد فرصت برای همه بود و لازمه ایجاد فرصت؛ تأسیس مدرسه بود (مبنای هدف اول) و تخصص و محتوای خاص لازم داشت (مبنای هدف دوم).

نیاز به پیشرفت + نیاز به تحصیل ←←←← گسترش آموزش (هدف اول)  
 نیاز به پیشرفت + نیاز به تخصص ←←←← گسترش آموزش تخصصی (هدف دوم)

این هدف‌ها عبارتند از:

۱. گسترش آموزش در میان آحاد مردم؛

۱. درالفنون معادل پلی‌تکنیک یا مدارس تخصصی در غرب است نه مدرسه ابتدایی و متوسطه که آموزش عمومی محسوب می‌شوند؛ اما رشديه‌ها که برای اولین بار در ایران توسط میرزا حسن تبریزی (ملقب به رشديه) تأسیس یافتند، مدارس آموزش ابتدایی عمومی بودند. بر این اساس آموزش تخصصی در ایران با درالفنون آغاز شد، اما آموزش عمومی توسط میسیونرها و پس از آن توسط رشديه تأسیس یافت.



۲. گسترش آموزش‌های تخصصی مختلف.

هر یک از این دو هدف کلان را می‌توان زمینه‌ساز تأسیس مدرسه‌های مختلف در اوان ورود آموزش مدرن به ایران دانست، زیرا تحقق آنها مستلزم شکل‌گیری مدرسه‌های متعدد و متنوعی بود.

### هدف اول: گسترش آموزش در میان آحاد جامعه

نظر به اینکه سواد به‌منزله کلید آگاهی و خروج از جهل و عقب‌ماندگی در درجه اول اهمیت قرار داشت، ایجاد فرصت تحصیل و ادامه آن با تأسیس مدرسه برای گروه‌های مختلف فرزندان جامعه ایران هدف قرار داده شد؛ اما واقعیت و شرایط اجتماعی حاکی از وجود طیفی از محدودیت‌ها و موانع مختلف برای گسترش آموزش در میان مردم بود که برای رفع آنها نیز انواعی از مدارس مورد نیاز بود. در واقع از این نقطه است که معیار دیگری بجز دین، مبنای تنوع‌بخشی به مدارس می‌شوند.

**معیار چهارم - وجود موانع و محدودیت همه‌جانبه برای گسترش آموزش در میان آحاد مردم، نتیجه: تأسیس انواع مدرسه متناسب با انواع دانش‌آموزان**

- موانع مادی اجازه نمی‌داد بیشتر بچه‌ها به مدرسه بروند؛
  - موانع روان‌شناختی اجازه نمی‌داد که همه سنین از یک نوع آموزش برخوردار شوند؛
  - ویژگی‌های فرهنگی اجازه نمی‌داد دختران به مدرسه بروند.
  - مشکلات جسمی برخی از کودکان اجازه نمی‌داد به مدرسه بروند.
  - بزرگسالان به‌دلیل محدودیت زمانی و مالی امکان استفاده از مدرسه را نداشتند.
- نتیجه عملی: تأسیس مدارس متناسب با انواع دانش‌آموزان.
- بر این مبنای، انواع مدارس به‌شرح زیر در این دوره شکل گرفت:
- تفاوت دانش‌آموزان در تأمین امکانات تحصیل مبنای تأسیس مدارس عادی (ملی یا دولتی)، مدرسه سادات، مدرسه ایتمام، مدرسه خیریه و دارالایتمام شد.<sup>۱</sup>
  - تفاوت دانش‌آموزان در میزان رشد (شرایط سنی و قدرت یادگیری دانش‌آموزان) که مبنای شکل‌گیری مدارس ابتدایی، متوسطه (مقاطع تحصیلی) و کلاس‌های اکابر (آموزش سواد به بزرگسالان) شد.
  - تفاوت دانش‌آموزان در میزان توانایی‌های بدنی که منجر به تأسیس مدرسه نابینایان (۱۲۹۹ ش) و کرولال‌ها (۱۳۰۳ ش)<sup>۲</sup> شد.<sup>۳</sup>

۱. مدرسه سادات، مدرسه رایگان ویژه کودکان فقیر سادات؛ مدرسه ایتمام، مدرسه رایگان ویژه کودکان بی‌سرپرست؛ مدارس خیریه، مدرسه رایگان ویژه فرزندان تهیدستان، مدارس خیریه و دارالایتمام (شبانه‌روزی با دو هدف نگهداری و تحصیل، ویژه فرزندان تهیدستان) قابل‌ذکر هستند و در بسیاری از مدارس عادی نیز تعدادی از دانش‌آموزان تهیدست به‌صورت رایگان پذیرفته می‌شدند.

۲. احمد امیدوار، سیر تاریخی آموزش و پرورش استثنایی در ایران، تهران، پژوهشکده آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۷۸.

۳. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این مدارس پس از مشروطیت و اما پیش از عصر پهلوی ایجاد شده‌اند و در اینجا به‌عنوان مصادیقی از انواع مدرسه که به‌دلیل کاستی در توانمندی‌های دانش‌آموزان، ضرورت می‌یابند، معرفی شده‌اند.

- تفاوت‌های جنسیتی: ایجاد فرصت تحصیل برای دختران<sup>۱</sup> علاوه بر پسران که مبنای شکل‌گیری مدارس دخترانه (آنث) و پسرانه شد.<sup>۲</sup>

### هدف دوم: گسترش آموزش‌های تخصصی (تربیت نیروی انسانی متخصص)

در دوره قاجار، کسب دانش‌های تخصصی شرط مسلم برای خروج از عقب‌ماندگی محسوب می‌شد. به همین دلیل اولین نهاد آموزشی دولتی جدید در ایران یک مدرسه تخصصی (دارالفنون - تأسیس ۱۲۳۰ش) بود و از همان زمان به تدریج مدرسه‌های تخصصی دیگری در رشته‌های مختلف تأسیس شدند.

معیار پنجم - اهمیت دانش‌های تخصصی و فنی برای رفع عقب‌ماندگی و نیل به پیشرفت نتیجه: تأسیس مدارس تخصصی

مدارس تخصصی تأسیس شده در این دوره سه دسته بود:

- مدارس تخصصی عالی: دارالفنون، طب، سیاست، حقوق، تجارت، فلاحت (بر مبنای نیاز به دانش تخصصی)؛
  - مدارس تخصصی اولیه: مدارس کشاورزی، صنعتی، مدرسه نقاشی، مدرسه موزیک،<sup>۳</sup> مدرسه نظام
  - تشکیل کلاس‌های آزاد مترجمی یا آموزش زبان خارجی (بر مبنای نیاز به ترجمه منابع فرنگی).
- شایان ذکر است که بعضی مدارس یا کلاس‌ها، خارج از دایره وزارت معارف تأسیس و اداره شدند. از جمله مدرسه سیاسی (۱۲۷۸ ش) وابسته به وزارت خارجه، مدرسه عالی حقوق (۱۳۰۰ش) وابسته به وزارت عدلیه<sup>۴</sup> و کلاس‌های مترجمی و آموزش زبان که توسط دارالترجمه دولتی برگزار می‌شد.<sup>۵</sup>

### تغییر و تحول مدارس

در این دوره می‌توان از انحلال مدرسه‌های مختلف صحبت کرد، اما نمی‌توان گفت که نوع خاصی از مدرسه منحل و حذف شده است. توضیح آنکه، در این دوره مدارس بسیاری پس از تأسیس به دلایلی منحل یا در سایر مدارس ادغام شدند. این دلایل درباره مدارس ملی عموماً مشکلات مالی، اختلاف

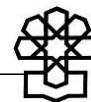
۱. در خصوص تحصیل دختران مسلمان در مدارس جدید در سال ۱۹۰۲ تاجر معتبر ایرانی مقیم بادکوبه، حاجی زین‌العابدین تقی‌اف از علمای بزرگ نجف استفتا کرد. پس از چند روز بحث و کشمکش روحانیون اعلام کردند که برای پذیرفتن دختران از مدارس جدید مانعی نیست (قاسمی پویا، بی.تا: ص ۲۲۷).

۲. اقبال قاسمی پویا (۱۲۷۷)، مدارس جدید در دوره قاجار، بانیان و پیشروان، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۶.

۳. مدرسه موسیقی در سال ۱۲۱۲ به هنرستان موسیقی تغییر نام داد.

۴. تأسیس پس از مشروطیت و قبل از عصر پهلوی است و در اینجا به عنوان مصداقی از مدارس وابسته به وزارتخانه‌ها و مستقل از وزارت معارف معرفی شده است.

۵. همان، ص ۲۸۶.



میان مؤسس‌ها و توطئه علیه مدیر یا مؤسس بود؛ درباره مدرسه‌های دولتی مشکلات مالی را می‌توان مهم‌ترین عامل انحلال یا ادغام مدارس شمرد.

به عبارت دیگر تعدادی از مدارس ذیل یک نوع حذف می‌شدند، اما چنین نبوده که یک نوع مدرسه با همه تعداد آن حذف شود؛ زیرا کماکان هدف‌ها و ضروریات تأسیس انواع مدارس بر مبنای «ایجاد فرصت تحصیل» به جای خود باقی ماند. لذا انواع مدارس همچنان به حیات خود ادامه دادند و گسترش یافتند، جز آنکه با توجه به نیازها، گاهی به تصویب شورای معارف چند مدرسه ابتدایی به متوسطه یا چند مدرسه متوسطه به مدرسه صنعتی تبدیل شدند.<sup>۱</sup> در مدارس تخصصی نیز نه انحلال، بلکه تغییراتی رخ داد. انواعی از مدارس مانند برزگران و صنعتی به دلیل مشکلات مدیریتی یا مالی به طور موقت تعطیل شدند، اما چون کماکان ضرورت آنها باقی بود، مجدداً در منطقه دیگری تأسیس شدند و بعدها تعداد آنها افزایش یافت. انواعی دیگری که بخشی از یک مدرسه بزرگ بودند، پس از این که گسترش یافتند، از مدرسه اصلی جدا شدند و مستقل شدند. نظیر شعبه طب دارالفنون که مستقل شد و نام مدرسه طب به خود گرفت و بعدها دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد. برخی از مدرسه‌ها در روندی تکاملی به یکدیگر ملحق شدند؛ نظیر مدرسه سیاست که به مدرسه عالی حقوق ملحق شد و برخی روند روبه رشد یافتند مانند تربیت‌معلم (دارالمعلمین) که بعدها با تأسیس دانشگاه تهران به صورت دانشکده ادبیات درآمد و پس از آن مجدداً مستقل شد و با عنوان دانشسرای عالی فعالیت می‌کرد و در نهایت دانشگاه تربیت‌معلم نام گرفت و گسترش یافت.

### جمع‌بندی دوره اول

در دوره پیش از مشروطیت انواعی از مدارس را مبتنی بر پنج مبنا با هدف گسترش آموزش در میان آحاد مردم و گسترش آموزش‌های تخصصی مختلف تعیین کردند. این تنوع مبتنی بر سه معیار اصلی نوع مدیریت مدرسه، انواع دانش‌آموزان و نوع برنامه و محتوای آموزشی به شرح زیر قابل دسته‌بندی هستند:

- انواع مدرسه براساس مؤسس و مدیریت مدرسه:
- مدارس اقلیت‌های دینی و مدارس مسلمانان (۲ نوع)؛
- مدارس ملی و مدارس دولتی (۲ نوع)؛
- انواع مدرسه براساس نوع دانش‌آموز:
- مدرسه ابتدایی و متوسطه؛

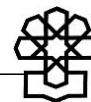
- مدارس مجانی؛<sup>۱</sup>
  - مدارس دخترانه و پسرانه، مدرسه استثنایی ( ۴ نوع)؛
- انواع مدرسه براساس نوع برنامه و محتوای آموزشی:
- مدارس دارای برنامه آموزش تخصصی<sup>۲</sup> و حرفه‌ای ( ۱ نوع).
- از آنجا که هر مدرسه‌ای در نظام آموزشی ایران واجد ویژگی‌هایی براساس هر ۳ معیار تأسیس و مدیریت، دانش‌آموزان، برنامه و محتواست، هریک از انواع مدرسه‌ها، با سه ویژگی اصلی قابل‌تعریف خواهد بود. یعنی یک مدرسه می‌تواند به ملی یا دولتی، اقلیت مذهبی یا مسلمانان، در مقطع ابتدایی یا متوسطه، با برنامه آموزشی عمومی یا تخصصی تعریف شود. اما با وجود این، معیار تنوع مدرسه‌ها تنها یکی از ۳ معیار است و براساس یکی از آنها، در دسته‌بندی انواع قرار می‌گیرد و دو معیار دیگر، در حکم معیارهای ثانویه آن یا زیرمعیار خواهند بود. بر این اساس، در تعریف مدرسه دولتی، نحوه مدیریت معیار اصلی و در مدرسه تخصصی، برنامه آموزشی معیار اصلی است.
- به این ترتیب در دوره قاجار- از آغاز تا تشکیل مجلس قانونگذاری، جمعاً ۹ نوع مدرسه شکل گرفت.

جدول ۱. تنوع مدارس و معیارهای آن در دوره پیش از مشروطه

دوره تاریخی	معیارهای تنوع مدارس	گونه‌های تأسیس‌یافته	گونه‌های حذف‌شده	مراجع تصمیم‌گیری
پیش از مشروطیت	<ul style="list-style-type: none"> <li>• دین و اعتقاد مؤسسان</li> <li>• نوع مدیریت (ملی یا دولتی)</li> <li>• تفاوت‌های دانش‌آموزی</li> <li>• محتوا و برنامه آموزشی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مدارس اقلیت‌های دینی و مدارس مسلمانان ( ۲ نوع)</li> <li>• مدارس ملی و مدارس دولتی ( ۲ نوع)</li> <li>• مدرسه ابتدایی و متوسطه، مدارس مجانی، مدارس دخترانه و پسرانه، مدرسه استثنایی ( ۴ نوع)،</li> <li>• مدارس دارای برنامه آموزش تخصصی و حرفه‌ای ( ۱ نوع)</li> </ul>	----	<ul style="list-style-type: none"> <li>• به‌طور غیررسمی و توسط: روحانیون و هیئت‌های اقلیت‌ها</li> <li>• شخصیت‌های حقیقی</li> <li>• وزارت معارف</li> </ul>

۱. چون دریافت هزینه جزء غیرقابل‌تفکیک مدارس بود، پولی بودن مبنایی برای تعیین نوع مدرسه نبود و دقیقاً به همین دلیل رایگان بودن، مبنای تشکیل یک نوع مدرسه بود.

۲. لازم به توضیح است که چون مدرسه تخصصی دارالفنون، اولین مدرسه جدید ایرانی است، می‌توان گفت که اولین برنامه آموزشی مدرسه ایرانی، برنامه‌ای تخصصی و در سطح آموزش تکمیلی بود و برنامه و محتوای آموزش عمومی چون محتوای نسبتاً مشترک تمامی مدارس غیرتخصصی بود، معیاری برای تعیین انواع مدرسه نبود.



## دوره دوم: تنوع‌یابی مدارس از تشکیل مجلس قانونگذاری تا جنگ جهانی دوم

این دوره را می‌توان دوره مرجعیت قانون در حوزه گسترش و تنوع مدارس با محوریت فعالیت شورای عالی معارف نامید. ذیل این دوره، مروری کوتاه بر نقاط عطف گسترش و تنوع مدارس در بازه تاریخی تشکیل مجلس شورای ملی تا پایان حکومت پهلوی انجام شده، معیارهای تعیین‌کننده انواع مدرسه در این دوره بررسی می‌شود و سپس سیر تنوع‌یابی مدارس مرور می‌شود.

این دوره با تصویب موادی در متمم قانون اساسی درباره آموزش و پرورش و موظف شدن دولت در امر آموزش و پرورش آغاز شد و در طی آن اولین قوانین آموزش و پرورش به‌ویژه قانون اساسی معارف تصویب شد، در ادامه شورای عالی معارف رسمیت یافت و تا پایان این دوره به‌عنوان تنها مرجع در حوزه تنوع مدارس پایه‌های اساسی شکل‌گیری منطقی تنوع مدارس را فراهم نمود. علاوه بر این تأسیس دانشگاه تهران به‌عنوان اولین مؤسسه اختصاصی آموزش عالی در ایران تأثیر مستقیمی در تفکیک آموزش متوسطه و آموزش عالی داشت؛ به این ترتیب برخی گونه‌های مدارس با تبدیل به دانشکده‌هایی در دل دانشگاه تهران از حوزه آموزش متوسطه خارج گشتند.

تنوع‌یابی مدارس در این دوره را می‌توان طی چهار دوره فرعی توصیف کرد:

۱. قانون اساسی معارف تا واگذاری مسئولیت تنوع مدارس به شورای عالی معارف (۱۲۹۰ تا ۱۳۰۰ ش)؛
۲. شروع فعالیت شورای عالی معارف تا تأسیس حکومت پهلوی (۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ ش)؛
۳. شروع حکومت پهلوی تا تأسیس دانشگاه تهران (۱۳۰۴ تا ۱۳۱۳ ش)؛
۴. تأسیس دانشگاه تهران تا آغاز آشفته‌گی‌های جنگ جهانی دوم (۱۳۱۳ تا ۱۳۱۸ ش).

۱. تنوع مدارس از قانون اساسی معارف (۱۲۹۰ ش) تا قانون شورای عالی معارف (۱۳۰۰ ش)  
در این دوره قانون به‌عنوان مبنایی جدید فراتر از ملاک‌های قبلی تنوع قرار می‌گیرد و برای اولین بار گونه‌های مدارس به صراحت در یک سند قانونی برشمرده می‌شوند. تشکیل مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۵ در پی نهضت مشروطه، آغاز تحولی اساسی در نظام حاکمیتی، اجتماعی و فرهنگی ایران بود. نظام مشروطه، حاکمیت سلطنتی سنتی را مشروط به قانون اساسی ملی نمود و از این رو شئون مختلف زندگی اجتماعی و از جمله تعلیم و تربیت، شرط قانونی یافت. مهم‌ترین تأثیر مجلس مشروطه بر جریان آموزش نوین را باید تصویب قانون اساسی معارف در سال ۱۲۹۰ شمسی و اجباری شدن آموزش دانست. بخشی از متن قانون اساسی معارف<sup>۱</sup> به شرح زیر است:

«ماده (۱) - مکتب و مدرسه عبارتند از تأسیساتی که برای تربیت اخلاقی و علمی و بدنی ابنا نوع دائر می‌گردد.

۱. مجلس شورای ملی، قانون اساسی معارف، مصوب نهم عقرب ۱۲۹۰.

ماده (۲)- پروگرام مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین می‌گردد و باید در پروگرام حیثیت علمی و صنعتی و نشو و نماى بدنى ملحوظ باشد.

ماده (۳)- تعلیمات ابتدائیه برای عموم ایرانیان اجباری است.

ماده (۴)- طریق تحصیل آزاد است لکن هرکس باید آن اندازه از معلوماتی را که دولت برای درجه ابتدایی معین نموده تحصیل کند.

ماده (۵)- هرکس مکلف است اطفال خود را از سن هفت به تحصیل معلومات ابتدائیه وادارد اعم از این که در خانه باشد یا در مدرسه.

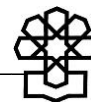
ماده (۸)- مکاتب و مدارس بر دو قسمت است؛ رسمی و غیررسمی: رسمی آن است که از طرف دولت دایر شده باشد، غیررسمی آن است که بانی مخصوص داشته باشد.

ماده (۱۵)- مدارس و مکاتب بر چهار نوع است: ۱. مکاتب ابتدایی دهکده؛ ۲. مکاتب ابتدایی بلدی؛ ۳. مدارس متوسطه؛ ۴. مدارس عالییه.

ماده (۱۶)- هریک از مکاتب و مدارس چهارگانه پروگرام مخصوص قانونی خواهند داشت و وزارت معارف مسئول اجرای آن پروگرام‌ها است.»

با توجه به شکل‌گیری مدارس نوین سال‌ها پیش از مجلس مشروطه، قانون اساسی معارف به این تلاش‌های مردمی وجهه قانونی داد و علاوه بر آن آموزش ابتدایی را اجباری کرد. توجه به این نکته اهمیت اساسی دارد که در متن قانون، مدرسه اجباری نشد، بلکه تعلیمات ابتدایی بود که اجباری شد و می‌توانست در مدرسه، مکتب یا خانه صورت گیرد. این قانون تا تصویب قانون «آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی» مصوب ۶ مردادماه ۱۳۲۲ مرجع اصلی گسترش آموزش عمومی بود و در سال ۱۳۲۲ بود که ثبت‌نام در مدارس ابتدایی برای همه کودکان ایرانی اجباری اعلام شد و تفکیک جدی میان تعلیمات ابتدایی و سوادآموزی با آموزش مدرسه‌ای ایجاد شد.

بنابراین طی سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۰ شمسی مدرسه اجباری نیست، اما دارای وجهت قانونی شده است و برای اولین بار با مرجعیت مجلس شورای ملی گونه‌های مدارس در چهار طبقه دسته‌بندی شدند: مدارس ابتدایی دهکده، مکاتب ابتدایی بلده، مدارس متوسطه و مدارس عالییه. این طبقه‌بندی براساس برنامه‌درسی در ماده (۱۵) این قانون انجام شده است اما در ماده (۸) همین قانون براساس مدیریت هم مدارس به دو گونه رسمی (دولتی) و غیررسمی (خصوصی) تقسیم‌بندی شدند. بنابراین با ضرب این دو ماده می‌توان به ۸ گونه مدرسه در اولین سند رسمی گونه‌بندی مدارس دست یافت. البته در همین دوره مدارس میسیونری به‌عنوان مدارس متفاوت از جنبه مدیریت یا سنخ دانش‌آموزان (اقلیت‌های مذهبی)، جریانی بسیار مهم است که در این قانون به آنها توجهی مجزا نشده است.



نکته دیگر آن که مجلس فقط وزارت معارف را موظف به تهیه و اجرای پروگرام مدارس و مکاتب می‌کند و تا این زمان بحثی از اساسنامه و نظامنامه مدارس نیست؛ مسئله‌ای که با تصویب قانون «شورای عالی معارف» در سال ۱۳۰۰ شمسی برای اولین بار مطرح شد.

۲. تنوع مدارس از ابتدای شورای عالی معارف (۱۳۰۰ ش) تا تأسیس دولت پهلوی (۱۳۰۴ ش) با واگذاری مسئولیت تنوع مدارس از سوی مجلس به شورای عالی معارف، گونه مشروع به مدرسه‌ای اتلاق می‌شود که پروگرام، اساسنامه و نظامنامه مصوب داشته باشد. همین مسئله عامل تکثیر هر گونه و امکان ارائه تعریفی مشخص از گونه مدارس می‌شود.

با تصویب قانون «شورای عالی معارف» در سال ۱۳۰۰ شمسی و شورایی شدن امر آموزش و پرورش، بنیانی در نظام تربیت رسمی ایران نهاده شد که تاکنون پابرجاست. از این تاریخ تاکنون به سبب تخصص شورای عالی آموزش و پرورش در این حوزه مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های نظام آموزش و پرورش و به‌ویژه تصمیم در زمینه گونه‌های مدارس، پروگرام مدارس، نظامنامه و اساسنامه مدارس به این شورا واگذار شد.

بخشی از متن قانون شورای عالی معارف:<sup>۱</sup>

«فصل دوم: در وظایف

ماده (۱۲)- وظایف شورای عالی معارف از قرار تفصیل ذیل است:

۱. اهتمام در ترویج خط و زبان و ادبیات فارسی و عربی و نشر مقالات علمی عام‌المنفعه؛
۲. سعی در تهیه موجبات تکثیر مدارس و تدارک مقدمات تعلیم اجباری و مجانی؛
۳. مشورت در رفع نقایص تعلیمات عمومی و سعی در تهیه وسایل تأسیس مدارس صنعتی و فلاحتی و شبانه‌روزی و تعمیر ورزش‌های بدنی و رعایت قوانین حفظ‌الصحه و مراقبت در دستور تحصیلات مدارس خارجه؛
۴. تهیه و اصلاح دستورات رسمی کلیه تحصیلات علمی و فنی مدارس ذکور و اناث و نظامنامه‌های مدارس؛
۵. تهیه دستور تحصیلات مدارس معلمین و معلمات و نظامنامه‌های راجع به آنها؛
۶. تهیه دستور تفتیش اوضاع معارف و مدارس و امتحان شاگردان؛
۱۳. تعیین شرایط محصلینی که به خرج دولت به خارجه اعزام می‌شوند و نظارت در انتخاب آنها».

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس، قانون شورای عالی معارف، مصوبه ۲۰ حوت ۱۳۰۰ شمسی، <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90680>

جلسات رسمی شورا پس از تصویب این قانون از پاییز ۱۳۰۱ آغاز می‌شود و در رأس مسائل مورد بحث، رسیدگی به مسائل مدارس و مکتبخانه‌ها، تهیه برنامه درسی یکپارچه، تصویب نظامنامه‌ها و رسیدگی به نیازهای آموزش فنی و صنعتی است.

قانون سال ۱۳۰۰ شمسی مجلس نشانگر دو مسئله اساسی در حوزه تنوع مدارس است:

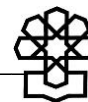
- مسئله اول استفاده از برنامه درسی یکپارچه یا همان پروگرام، اساسنامه و نظامنامه‌های قانونی برای رسمیت یافتن فعالیت مکاتب و مدارس و قابل تفتیش و بررسی شدن آن است. قابل توجه است که در حالی که در دوره اول، تنها برنامه درسی تخصصی مستقلاً مورد توجه بود و معیار تأسیس مدارس تخصصی بود، در آغاز این دوره، برنامه آموزشی و درسی پایه نیز مورد توجه قرار گرفت و موضوعیت یافت. قابل تفتیش شدن مدرسه به معنای داشتن ملاک ارزیابی و نظارت است. پروگرام و اساسنامه مشترک هرگونه مدرسه، مرجع اصلی تفتیش و ارزیابی آن است. بنابراین گونه مشروع مدرسه گونه‌ای است که قابل ارزیابی باشد.

- مسئله دوم نیاز به تأسیس مدارس فنی و حرفه‌ای جهت رفع نیازهای صنعتی و فناورانه کشور است. این مسئله که تا پیش از این عمدتاً از طریق اعزام محصل به خارج و تا حدودی از طریق فعالیت‌های دارالفنون تأمین شد، به‌طور یکجا به شورای عالی معارف محول شد و در واقع شورای عالی قادر بود طی برنامه‌ای جامع در زمینه فعالیت دارالفنون‌ها، مدارس فنی و حرفه‌ای و در نهایت نحوه انتخاب محصلان از این مدارس برای اعزام به خارج تصمیم‌گیری کند. این تصمیم‌گیری متمرکز و واحد بود تا بتواند نتیجه حاصل از اعزام محصلین را که سرعت و ظرفیت بیشتری یافته بود مؤثرتر کند.<sup>۱</sup>

بنابراین تحول اساسی که در این دوره در تعریف گونه‌های مدارس ایجاد شد این بود که افزون بر سه ملاک گونه‌های مدارس (سنخ دانش‌آموزان، سنخ برنامه درسی و مشاغل حرفه‌ای و سنخ مدیریت)، قانون به‌منزله یک شاخصه بیرونی برای تنوع‌بخشی به مدارس به این معیارها اضافه شد و این پیش‌شرط در درون خود امکان تعدد یک شکل واحد مدرسه و بازرسی مدارس براساس برنامه مصوب را در خود دارد.

**معیار ششم - قانون به‌منزله مبنای مشروعیت‌بخشی به انواع مدرسه؛ نتیجه: رسمیت و وجاهت قانونی بر انواع مدرسه با تصویب اجازه تأسیس، برنامه (پروگرام) و نظامنامه مدرسه توسط شورای عالی معارف و سایر نهادهای تصمیم‌گیری**

۱. برای مطالعه در زمینه اعزام محصلان به خارج در دوره قاجار بنگرید به: مجتبی مینوی، اولین کاروان معرفت، مجموعه مقالات در نشریه یغما، مرداد تا آذر ۱۳۲۲. حسین محبوبی اردکانی، دومین کاروان معرفت، نشریه یغما، بهمن ۱۳۴۴. علی کریمیان، مدارس جدید ایرانی از ۱۲۸۶ تا ۱۳۰۸، نامه پارسی، پاییز ۱۳۷۷.



برخی برنامه‌های درسی و مدارس تأسیس شده در این دوره عبارتند از:

۱۳۰۱ / پروگرام تحصیلات ابتدایی (چهارساله)<sup>۱</sup>؛

۱۳۰۲ / نظامنامه مکاتب دهکده<sup>۲</sup>؛

۱۳۰۳ / دستور تحصیلات شش‌ساله ابتدایی نسوان<sup>۳</sup>؛

۱۳۰۳ / نظامنامه مکتب<sup>۴</sup>؛

۱۳۰۳ / دستور تعلیمات دوره اول متوسطه<sup>۵</sup>؛

۱۳۰۳ / اساسنامه و پروگرام مدرسه صنعتی دولتی<sup>۶</sup> و<sup>۷</sup>

۱۳۰۴ / دستور تعلیمات متوسطه نسوان<sup>۸</sup>.

مهم‌ترین برنامه‌ای که شورا در شروع کار خود در دستور مذاکرات قرار داد، تصویب برنامه درسی مدارس ابتدایی بود که سال‌ها پیش‌تر تأسیس شده بودند و گسترش یافته بودند، اما برنامه مشخص و قابل‌نظارتی نداشتند. در صورت مذاکرات نکته مهمی که به‌نظر می‌رسد، بحث بر سر سال‌های آموزش ابتدایی به‌عنوان آموزش عمومی است که در ابتدا چهار سال در نظر گرفته می‌شود، اما در بازنگری‌های بعدی برنامه‌های شش‌ساله برای این دوره تدوین می‌شود. همچنین موضوع مهم‌تر در زمینه گونه‌های مدارس، تفکیک دستور مدارس ابتدایی و متوسطه دخترانه و پسرانه با برنامه‌هایی مجزا طی سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ است.

در این سال‌ها همچنان مکتبخانه از وجاهت عرفی برخوردار است و از این‌رو مجلس و شورای عالی هم به این سبک مراکز آموزشی وجاهت قانونی دادند تا گونه‌ای در کنار مدارس ابتدایی باشد و نیاز تعلیمات عمومی جامعه با مشکل روبه‌رو نشود. گونه‌بندی که بیش از همه مرتبط با وجود مکاتب معنا می‌یافت، گونه‌بندی شهری و روستایی بود، زیرا در آن زمان مدارس روستایی بسیار اندک و در نواحی خاصی مانند اطراف ارومیه به‌سبب حضور میسیونرها موجود بودند، اما مکتبخانه‌ها هم در شهر و هم در روستا دایر بودند. با توجه به اقتضات متفاوت شهر و روستا در آن دوره، شورای عالی معارف برنامه‌های چهارساله و منعطف را، بیشتر متکی به‌نظر مدیر مکتب و با ارائه گزارش به اداره معارف، برای مکاتب دهکده در نظر گرفت. همچنین این مکاتب از جهت مالی باید توسط خوانین منطقه و دهکده تأمین می‌شدند نه دولت ملی.

۱. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، پروگرام تحصیلات ابتدایی، مصوب ۷ جوزای ۱۳۰۲.
۲. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، نظامنامه مکاتب دهکده، مصوب ۲۰ حوت ۱۳۰۲.
۳. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، دستور تحصیلات شش‌ساله ابتدایی نسوان، مصوب ۳۰ سنبله ۱۳۰۳.
۴. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، نظامنامه مکتب، مصوب ۲۰ دلو ۱۳۰۳.
۵. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، دستور تعلیمات دوره اول متوسطه، مصوب ۲۰ دلو ۱۳۰۳.
۶. هنرستان صنعتی دولتی جایگزین دبیرستان عالی ایران و آلمان بود که از ۱۲۸۶ فعالیت آن آغاز شد و پس از جنگ جهانی اول، به هنرستان صنعتی دولتی با مسئولیت و مدیریت آلمانی‌ها تبدیل شد (مرجانی، ۱۳۷۲، صص ۷۴-۷۷).
۷. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و پروگرام مدرسه صنعتی دولتی، مصوب ۱۵ جدی ۱۳۰۳.
۸. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، دستور تعلیمات متوسطه نسوان به‌ضمیمه تعلیمات اختصاصی دارالمعلمات، مصوب ۴ شهریور ۱۳۰۴.

مسئولیت دیگری که مجلس شورای ملی در این زمینه برعهده شورای عالی معارف قرار داده بود، تأسیس مدارس مرتبط با مشاغل و حرفه‌ها بود که با تصویب اساسنامه و پروگرام مدرسه صنعتی دولتی در سال ۱۳۰۳ آغاز گشت. اساسنامه مدرسه صنعتی دولتی، مقدمه شکل‌گیری هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای است. در متن مصوبه اساسنامه این مسئله این‌گونه خودنمایی می‌کند:

«مدرسه صنعتی دولتی منقسم به دو شعبه است: شعبه حرفه‌ای، شعبه فنی:

شعبه حرفه‌ای برای تهیه کارگران است به جهت حرفه‌های مختلفه: آهنگری و نجاری و چرم‌سازی و امثال آنها و دوره تحصیلات آن سه سال است؛ شعبه فنی، متخصصین فنی تربیت می‌کند که اشتغال به فنون دواسازی و شیمی آلی و بلورسازی و چینی‌سازی و امثال آن خواهند داشت و دوره تحصیلات آن پنج سال است».

در این دوره تا حد ممکن مدارس و مکاتب موجود دسته‌بندی شدند و اساسنامه و پروگرام خاص خود را یافتند، اما همان‌طور که ملاحظه می‌شود تا پایان این دوره نیز به برخی مدارس از جمله مدارس میسیونری و مدارس استثنایی (از جمله مدرسه نابینایان کریستوفل تأسیس ۱۲۹۹ ش و مدرسه ناشنوایان باغچه‌بان در تبریز تأسیس ۱۳۰۳ ش) توجهی مجزا نشده است. هرچند مدارس استثنایی بسیار معدود بودند، اما مدارس میسیونری بسیار گسترده بودند و پرنفوذ به فعالیت‌شان ادامه می‌دادند.

### ۳. تنوع مدارس از تأسیس دولت پهلوی (۱۳۰۴ ش) تا تأسیس دانشگاه تهران (۱۳۱۳ ش)

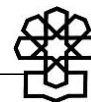
شورای عالی معارف از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ راهی را هموار کرد که سنگ بنای تصمیمات آتی بود و نمونه‌هایی را نیز در همان مدت کوتاه به تصویب رساند. اما با سقوط کامل سلسله قاجار و روی کار آمدن رژیم پهلوی به سبب سیاست آنها در گسترش شکل جدید اداره امور جامعه، نیاز به متخصصین و نیروهای اداری افزایش یافت و مدارس بسیاری براساس این نیازها تأسیس شدند؛ مانند مدرسه فلاح و پرستاری و مامایی و دندانپزشکی و حقوق و سیاست و مهندسی و... از جمله این مدارس بودند که یا در گذشته مدرسه‌ای وابسته به دارالفنون بودند و در دوره جدید استقلال یافته بودند و پروگرام و نظامنامه مجزایی برای آنها تدوین می‌شد، یا نمونه مشابه نداشت و برای اولین بار اساسنامه و برنامه آنها مصوب می‌شد. این نیاز پیوند تنگاتنگی با ادارات جدید و همچنین اعزام محصلین به خارج داشت. این مدارس عموماً به دوره دوم متوسطه تعلق داشتند و دوره آن تا پایان دوره عالی دو یا سه سال بود. نمونه‌هایی از مصوبات این دوره عبارتند از:

۱۳۰۵ ش / نظامنامه مدارس شبانه؛<sup>۱</sup>

۱۳۰۶ ش / پروگرام مدرسه مهندسی؛<sup>۲</sup>

۱. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، نظامنامه و دستور مدارس شبانه، مصوبه ۲۵ مرداد ۱۳۰۵.

۲. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، پروگرام مدرسه مهندسی، مصوب ۲۹ شهریور ۱۳۰۶.



۱۳۰۹.ش / اساسنامه مدرسه دواسازی؛<sup>۱</sup>

۱۳۰۹.ش / اساسنامه و دستور تحصیلات مدرسه عالی دندانسازی؛<sup>۲</sup>

۱۳۱۰.ش / نظامنامه مدرسه فنی پست؛<sup>۳</sup>

۱۳۱۲.ش / پروگرام مدارس شش کلاسی ابتدایی فلاحتی؛<sup>۴</sup>

۱۳۱۲.ش / اساسنامه و دستور دانشسراهای مقدماتی؛<sup>۵</sup>

۱۳۱۲.ش / نظامنامه و پروگرام کودکستان؛<sup>۶</sup>

۱۳۱۳.ش / اساسنامه دبیرستان تجارت.<sup>۷</sup>

مدرسه شبانه در واقع مدرسه اکابر است که لزوم آن در طرح پیشنهادی وزارت معارف به شورای عالی این‌گونه مطرح شده است: «نظر به احتیاج و درخواست عده زیادی از کسبه و مستخدمین بی‌سواد ادارات از وزارت معارف و تسهیل و تهیه وسایل در تحصیل خود که خواندن و نوشتن لازمتی و مختصری از حساب که چهار عمل اصلی است و نظر به عدم فراغت آنها در روز، وزارت معارف با تصدیق تقاضای به‌حق ایشان در نظر گرفته است که ده باب مدرسه اکابر در ده ناحیه شهر تأسیس و رافع احتیاج این عده از اهالی را بنماید».<sup>۸</sup> بدین ترتیب مدارس شبانه و اکابر نیز هرچند از زمان مدرسه رشدیه به‌طور پراکنده برگزار می‌شدند، اما به‌طور رسمی در سال ۱۳۰۵ و ابتدای عصر پهلوی به گونه‌های مدارس افزوده شد. اکثر مدارس تا سال ۱۳۱۳ که تأسیس دانشگاه تهران است، در سطح متوسطه و با الگویی شبیه به کالج‌های اروپایی تأسیس گشت تا نیروهای فنی و مهندسی و متخصص را تربیت کند.

در اساسنامه مدارس دواسازی، دندان‌سازی، مدرسه فنی پست و دبیرستان تجارت، دارا بودن تصدیق‌نامه دوره اول متوسطه پیش‌شرط ورود به این مدارس ذکر شده و برنامه درسی هم به‌گونه‌ای است که مشتمل بر دروس دوره دوم متوسطه و دو تا سه سال اضافه برای دروس تخصصی است. شاید بتوان خروجی و مدرک نهایی این مدارس را معادل فوق‌دیپلم امروز در نظام آموزش عالی دانست اما از آنجا که دوره دوم متوسطه را نیز در برمی‌گرفته است، حد واسط آموزش متوسطه و عالی محسوب می‌گشت. دلیل اصلی دایر نمودن این مدارس به‌طور پراکنده و در برخی موارد ذیل وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها، عدم وجود مؤسسه آموزش عالی در آن دوره بوده است. به همین دلیل با تأسیس دانشگاه تهران و رفع حوائج مرتبط با این نیازهای فنی و تخصصی، علاوه بر کاهش سیر تأسیس گونه‌های

---

۱. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و دستور تحصیلات مدرسه عالی دواسازی، مصوب ۱ مهر ۱۳۰۹.  
۲. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و دستور تحصیلات مدرسه عالی دندانسازی، مصوب ۲۲ مهر ۱۳۰۹.  
۳. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، نظامنامه مدرسه فنی پست، مصوب ۲۵ خرداد ۱۳۱۰.  
۴. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، پروگرام مدارس شش کلاسی ابتدایی فلاحتی، مصوب ۲۵ بهمن ۱۳۱۲.  
۵. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و دستور تحصیلات دانشسراهای مقدماتی، مصوب ۱۹ اسفند ۱۳۱۲.  
۶. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، نظامنامه و پروگرام کودکستان، مصوب ۱۳۱۲.  
۷. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و دستور تحصیلات دبیرستان تجارت، مصوب ۳ مرداد ۱۳۱۳.  
۸. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، نظامنامه مدارس شبانه، مصوب ۲۵ تیر ۱۳۰۵.

مختلف مدارس در دوره دوم متوسطه، برخی از این گونه‌ها هم ملحق به دانشگاه تهران شدند و از خیل مدارس جدا گشتند.

از نکات برجسته این دوره، توجه به آموزش تخصصی در دوره متوسطه و تأسیس و گسترش مدارس فنی و حرفه‌ای و وابسته به ادارات برای پاسخ به نیاز تحول ساختار دولتی است. این مدارس اغلب متشکل از سه سال آموزش متوسطه دوره دوم و دو سال آموزش تخصصی هستند و نام «دانشسرا» یا «مدرسه فنی» دارند.

افزون بر این، توجه شورای معارف به تأسیس مدارسی مبتنی بر نیازهای بومی و با برنامه‌ای غیرمتمرکز در این دوره به صورت ویژه به چشم می‌خورد. یکی از جالب توجه‌ترین گونه‌های مدارس در این دوره مدرسه فلاحتی است که نه برای دوره متوسطه، بلکه برای دوره ابتدایی و مبتنی بر نیازهای زندگی روستایی مصوب شد. این که این طرح تا چه حد اجرایی شده نیاز به پژوهشی مجزا دارد، اما خود مصوبه از حیث توجه به نیازهای بومی، لزوم توجه متفاوت به شهر و روستا و زمان در برنامه آموزشی و همچنین تفاوت‌های اقلیمی نواحی مختلف ایران حائز اهمیت است:

«تعلیمات چهارساله ابتدایی سال اول و دوم و سوم و چهارم مطابق دستور رسمی خواهد بود. مواد این پروگرام مخصوص سال‌های پنجم و ششم است. اوقات کار محصلین سال پنجم و ششم به‌قرار ذیل است:

الف) دوره تابستانه مخصوص عملیات از ۷ تا ۱۰ صبح و از ۴ تا ۷ بعد از ظهر؛

ب) دوره پاییزه (از اول مهر الی ۱۵ آذر) از ۸ صبح تا ظهر تدریس و از ساعت ۲ الی ۵ عملیات؛

ج) دوره زمستانه (از ۱۵ آذر الی ۱۵ اسفند) تمام اوقات مخصوص تدریس است؛

د) دوره بهاره (از ۱۵ اسفند الی ۱۵ خرداد) از ۸ تا ۱۲ تدریس از ---<sup>۱</sup> الی ۵:۳۰ عملیات؛

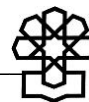
تبصره - ساعات تدریس برحسب احتیاجات و وضعیات محلی قابل تغییر است.

محصلین که کلاس چهارم را تمام کرده‌اند در عملیات تابستانی شرکت خواهند نمود به طوری که هریک از شاگردان پس از اتمام مدرسه دو دوره عملیات کامل فلاحتی را دیده باشند.

معلمین باید سعی کنند که مواد فلاحتی پروگرام خیلی ساده و در حدود فهم شاگرد تدریس شده و حتی الامکان با وسایل عملی تعلیم نمایند. از ذکر نکات علمی خارج از قوه و فواید که موجب اتلاف وقت و خستگی فکر شاگرد می‌گردد جداً احتراز نمایند مخصوصاً توجه نمایند که مقصود تربیت عملی است نه علمی.

باید موقعیت محلی را در نظر گرفته و به نسبت احتیاجات هر ناحیه مواد این پروگرام مخصوصاً فلاحت خصوصی مشروح یا مختصر تدریس شود.

۱. ساعت شروع تدریس در متن اصلی ناخواناست.



معلم باید فوائد زندگی روستایی (هوای آزاد و غذای سالم و مناظر زیبای طبیعت و غیره) را موقع درس و موقع عملیات گوشزد نموده از همان اوان کودکی محبت و علاقه به زمین و به حرفه فلاحت را به تدریج در نهاد روستازادگان ریشه‌گیر سازد.

آخرین نکته مرتبط با این دوره زمانی، ملی اعلام شدن مدارس میسیونری و واگذاری مدیریت بسیاری از این مدارس به مدیران ایرانی بود. بنابراین با وجود ادامه حیات برخی مدارس مذهبی میسیونری اما تا حد زیادی این‌گونه مدارس محدود شدند و تعریفی متفاوت به‌عنوان مدارس خارجی، و نه لزوماً مدارس مذهبی، یافتند.

#### ۴. تنوع مدارس از تأسیس دانشگاه تهران (۱۳۱۳ ش) تا پایان دوره پهلوی اول (۱۳۲۰ ش)

با تأسیس دانشگاه تهران و ادغام برخی مدارس متوسطه تخصصی در آن، برخی گونه مدارس از نظام آموزش متوسطه حذف شدند و روند گسترش آموزش تخصصی در نظام دوره متوسطه کمرنگ می‌شود. تأسیس دانشگاه تهران نه فقط بنیانی در آموزش عالی ایران، بلکه تحولی در نظام مدرسه بود. با تأسیس دانشگاه تهران بار آموزش عالی از دوش نظام مدرسه‌ای برداشته شد و برخی از گونه‌های موجود نیز به آن ملحق شدند. علی‌اصغر حکمت داستان تأسیس دانشکده‌ها و الحاق دانشسراها و مدارس عالی را این‌گونه عنوان می‌کند که اولین مدرسه عالی قدیمی که از عهد مظفرالدین شاه تأسیس شده بود مدرسه عالی فلاحت بود که پس از تأسیس دانشگاه به آن ملحق شد. مدرسه عالی دامپزشکی نیز با وجود جدایی مکانی چنین روندی را طی کرد. اما در میان ۶ دانشکده‌ای که در پردیس مرکزی دانشگاه جای داشتند، دانشکده طب از انتقال مدرسه طب که شعبه‌ای از دارالفنون بود شکل گرفت؛ دانشکده حقوق از پیوست مدرسه عالی حقوق که محل برگزاری آن در عمارت بیرونی اتابک بود، آغاز به کار کرد؛ دو دانشکده ادبیات و علوم نیز از هسته‌های ابتدایی دارالمعلمین یا دانشسرای عالی بودند که پس از تأسیس دانشگاه به آنجا انتقال یافتند؛ درنهایت دانشکده فنی و الهیات را با وجود داشتن مدارس قبلی، دانشکده‌هایی تازه تأسیس (فارغ از مدارس پیشین) می‌دانند.<sup>۱</sup>

در حالی که تا این مرحله تمامی مدارس اعم از تخصصی یا عمومی و فارغ از سطح آنها، ابتدایی، متوسطه و عالی، همگی مدرسه محسوب می‌شدند، از این مرحله با تأسیس دانشگاه به‌منزله نهاد آموزش عالی، دو حوزه شکل می‌گیرد؛ آموزش عمومی و آموزش عالی. هرچند که شورای عالی معارف مسئولیت نظام‌مندی هر دو حوزه را برعهده دارد، اما با این تفکیک مدرسه در حوزه آموزش عمومی (ابتدایی و متوسطه) وظیفه‌ای جدید می‌یابد و آن آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه است.

۱. علی‌اصغر حکمت، دانشگاه تهران چگونه به وجود آمد، نشریه وحید، تیرماه ۱۳۵۴.

در واقع وظایف مدارس با تمرکز بر سنین کودکی و نوجوانی بستر شکل‌گیری اولیه برای ورود به دانشگاه یا ورود مستقیم به برخی مشاغل است که نیاز به تخصص دانشگاهی نداشتند.

یکی از مسائل اساسی این دوره نوع نگاه پهلوی اول به حکومت و اصلاحات اجتماعی بود که از جمله آنها مخالفت با روحانیت و جریان سنتی بود و تا آنجا که به انواع مدرسه مربوط می‌شود، یکی از نمادهای بروز و ظهور این مسئله تأسیس دبیرستان‌های معقول و منقول بود. توضیح آنکه تا پیش از این، دو نهاد اجتماعی مهم یعنی آموزش و قضاوت در دست روحانیون تحصیلکرده در حوزه‌های علمیه و مدارس دینی بود. تأسیس دانشکده الهیات که البته سابقه‌ای در دوره‌های پیشین داشت، شکل جدیدی از مطالعات دینی خارج از حوزه را ایجاد می‌کرد؛ اما تأسیس دبیرستان‌های معقول و منقول در سال‌های پایانی پهلوی اول، سرریز این معادل‌سازی و رفع انحصار به فضای مدرسه‌ای بود. همچنین این دوره را باید به لحاظ سیاسی، تمرکز سیاست دولت پهلوی بر مسائل فرهنگی دانست که آیین‌ها فعالیت‌های عمرانی تلقی می‌شد و مهم‌ترین نماد آن تشکیل سازمان پرورش افکار (۱۳۱۷-۱۳۲۰ ش) برای انسجام‌بخشی به همه گونه فعالیت‌های فرهنگی از جمله برگزاری سخنرانی‌ها، تألیف کتب درسی، اجرای نمایش‌ها، اجرای برنامه‌های رادیویی و... بود. هنرستان هنرپیشگی به‌عنوان شعبه‌ای از سازمان پرورش افکار در سال ۱۳۱۸ توسط سیدعلی نصر تأسیس شد تا هنرپیشگانی برای تئاترهای ایدئولوژیک مرتبط با ملی‌گرایی و مدرنیزاسیون رضاشاهی تربیت کند، اما این هنرستان یک سال بعد و در پی تزلزل نظام رضا شاهی منحل شد.<sup>۱</sup> هنرستان هنرپیشگی از جمله تجربیات اولیه‌ای است که نشان می‌دهد تأسیس مدارس در فضایی خارج از مذاکرات تخصصی پیشینی و بررسی نیازهای اساسی و فراهم کردن پایه‌های مورد نیاز برای فعالیت بلندمدت، نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت و با تحولات سیاسی و اجتماعی در کمترین زمان ممکن، وقت و هزینه و تلاش صورت‌گرفته و سرمایه‌های ملی از میان خواهند رفت.

فهرست مدارس و مراکز آموزشی تأسیس‌شده در این دوره عبارتند از:

۱۳۱۳/ دانشگاه تهران؛

۱۳۱۵/ اساسنامه و برنامه هنرستان ابتدایی و متوسطه موسیقی؛<sup>۲</sup>

۱۳۱۶/ دبیرستان‌های معقول و منقول؛<sup>۳</sup>

۱۳۱۶/ اساسنامه و برنامه آموزشگاه‌های فنی افسری؛<sup>۴</sup>

۱۳۱۶/ اساسنامه و برنامه آموزشگاه‌های صنعتی پسران؛<sup>۵</sup>

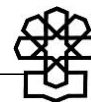
۱. جلال سناری، سازمان پرورش افکار و هنرستان هنرپیشگی، مرکز، ۱۳۹۵.

۲. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و برنامه هنرستان موسیقی، مصوب ۱۵ دی ۱۳۱۵.

۳. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه دبیرستان‌های معقول و منقول، مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۱۶.

۴. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و برنامه آموزشگاه فنی افسری، مصوب ۱۶ شهریور ۱۳۱۶.

۵. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و برنامه و نظامنامه آموزشگاه‌های صنعتی پسران، مصوب ۱۳۱۷.



۱۳۱۷/اساسنامه و برنامه آموزشگاه‌های دامپزشکی؛<sup>۱</sup>

۱۳۱۷/اساسنامه دانشسرای تربیت‌بدنی؛<sup>۲</sup>

۱۳۱۸/هنرستان هنرپیشگی.

### جمع‌بندی دوره دوم

طی دوره تشکیل مجلس شورای ملی تا شروع آشفتگی‌های جنگ جهانی دوم در ایران، نهاد نوین مدرسه با افزودن شرط قانونی بودن، مشروعیت یافت و جایگاه خود را در مقابل نظام سنتی آموزش تثبیت نمود. افزون بر این، رفته‌رفته قانون آموزش اجباری که تحصیل در خانه و مکتب را نیز دربرمی‌گرفت، به قانون حضور اجباری کودکان در مدرسه مبدل گشت. مهم‌ترین نتایج حاصل در حوزه تنوع مدارس در این دوره عبارتند از:

۱. در تنوع مدارس جدید تا پیروزی انقلاب مشروطه، پنج مبنای تعیین‌کننده، ایفای نقش می‌کرد. اما تشکیل دستگاه قانونگذاری و به‌ویژه تأسیس شورای عالی معارف، موجب ظهور معیار دیگری برای تأسیس انواع مدرسه شد. این معیار، «قانون» بود؛ به‌گونه‌ای که تأسیس هر نوع مدرسه علاوه بر وجود معیارهای پیشین، باید به تصویب شورای عالی معارف می‌رسید و وجاهت قانونی می‌یافت.
۲. پیش‌شرط قانونی بودن یک گونه خاص از طریق تصویب برنامه درسی، اساسنامه و نظامنامه مشترک مشخص می‌شد و همین موارد امکان تعدد و گسترش را برای هر گونه به همراه می‌آورد. «گونه مدرسه» از آن دوره تاکنون به شکلی از مدرسه گفته می‌شود که امکان ایجاد نمونه‌های مشابه براساس برنامه و نظامنامه مشترک قانونی فراهم باشد.
۳. مهم‌ترین و تخصصی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری درباره گونه مدارس در تمام این دوره، شورای عالی معارف (یا فرهنگ) است و مجلس در حوزه تنوع مدارس تنها در سطحی از این مسئله ورود می‌کند که مسائل ملی دیگر که خارج از حدود شورای عالی باشد، در آن دخیل باشند. درواقع نسبت مجلس و شورای عالی تعریف روشنی داشت.
۴. شورای عالی معارف در بدو تأسیس، با عوارض جنگ جهانی اول (۱۲۹۷-۱۲۹۳) آسیب‌ها و کشتار ناشی از قحطی و بیماری‌های واگیر در میان مردم و بعدها با عوارض جنگ جهانی دوم (۱۳۱۸-۱۳۲۴) مواجه بوده است، اما روند مصوبات و به‌ویژه تصویب قانون تحصیلات اجباری در سال ۱۳۲۲ حاکی از آن است که با وجود دشواری‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، همواره اولویت‌ها در گسترش آموزش همگانی و تأسیس انواع مدرسه رعایت شده است.

۱. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و برنامه تحصیلات آموزشگاه دامپزشکی، مصوب ۳۱ خرداد ۱۳۱۷.

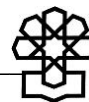
۲. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه دانشسرای تربیت‌بدنی، مصوب ۱۵ شهریور ۱۳۱۷.

۵. تأسیس دانشگاه تهران به‌عنوان نقطه آغاز تفکیک آموزش عالی از آموزش دوره متوسطه، تحولی اساسی در تنوع مدارس ایجاد کرد و مبنای تأسیس مدارس براساس برنامه درسی تخصصی را محدود کرد. بر این اساس برخی مدارس تخصصی دوره متوسطه در دانشگاه تهران ادغام شدند و از گونه‌های مدارس در حوزه آموزش و پرورش حذف شدند.

## جدول ۲. تنوع مدارس و معیارهای آن در دوره تأسیس مجلس قانونگذاری تا شروع جنگ جهانی دوم

دوره تاریخی	معیارهای اصلی تنوع مدارس	گونه‌های تأسیس یافته	مرجع تصویب	گونه‌های حذف شده (یا ادغام شده در دانشگاه تهران)
از تشکیل مجلس قانونگذاری تا جنگ جهانی دوم	قانونی بودن با مصوبه شورای عالی معارف	براساس تفاوت‌های دانش‌آموزی • مدارس شبانه براساس محتوا و برنامه آموزشی • مدرسه صنعتی دولتی • مدارس مهندسی • مدرسه فنی پست • مدارس ابتدایی فلاحی • هنرستان ابتدایی و متوسطه موسیقی • دبیرستان‌های معقول و منقول • آموزشگاه‌های دامپزشکی • دانشسرای تربیت‌بدنی • هنرستان هنرپیشگی (مصوب سازمان پرورش افکار)	شورای عالی معارف بجز هنرستان هنرپیشگی	• مدرسه عالی حقوق • مدرسه عالی دامپزشکی • مدرسه عالی حقوق • دانشسرای عالی (تربیت معلم) • مدرسه طب (شعبه طب دارالفنون)

دوره سوم: تنوع‌یابی مدارس از تحولات جنگ جهانی دوم تا پایان دوره پهلوی  
استقرار آمریکایی‌ها در برنامه‌ریزی‌های کشور و مبنا قرارگرفتن توسعه اقتصادی در گسترش، تنوع‌بخشی و تغییر ساختاری مدارس از ویژگی‌های این دوره تاریخی است.  
این دوره زمانی با آشفتگی‌های جنگ جهانی دوم در ایران و تزلزل نظام دیکتاتوری رضاشاهی آغاز می‌شود؛ دوره‌ای که با چند سال عدم فعالیت و توقف چرخ تحولات پهلوی آغاز می‌شود، اما در اواخر دهه ۱۳۲۰ با ورود نیروهای آمریکایی و تسهیلات دریافتی از این کشور، دگرگونی جدیدی رقم می‌خورد. از این دوره تا پایان حکومت پهلوی نیروهای مستشاری آمریکایی در سطوح و حوزه‌های مختلف برای کشور برنامه‌ریزی کردند و در کنار مجلس و مراجع تصمیم‌گیری داخلی، سازمان‌های



جدیدی مانند اصل چهار را پدید آوردند که نقشی اساسی در تغییرات ساختار حکومتی و اجرایی در این دوره دارند.

این بازه زمانی را می‌توان ذیل سه زیر دوره بررسی کرد:

۱. دوره جنگ جهانی دوم تا حضور مستشاران آمریکایی (۱۳۱۸ تا ۱۳۲۷ ش)؛
۲. شروع برنامه‌های توسعه اقتصادی تا اجرای برنامه‌های اصل چهار ترومن (۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴ ش)؛
۳. تعطیلی دفتر اصل چهار تا پایان حکومت پهلوی (۱۳۳۴ تا ۱۳۵۷ ش).

۱. گونه‌های مدارس از آغاز آشفته‌گی‌های جنگ جهانی (۱۳۱۸) تا ورود مشاوران ماورای‌بحار (۱۳۲۷) این دوره را می‌توان، دوره توقف فرایند طی‌شده توسط شورای عالی معارف و ایجاد بستر ورود تصمیم‌سازان جدید در حوزه تنوع مدارس نامید.

دوره جنگ جهانی دوم همانند جنگ جهانی اول دوره آشوب و ناآرامی در ایرانی است که اعلام بی‌طرفی کرده است. رضاخان که دولتی دیکتاتور در همه حوزه‌ها از جمله حوزه فرهنگ و آموزش ایجاد نموده بود، برکنار و تبعید می‌شود و پس از او ولیعهد، محمدرضا پهلوی بر جایگاهی می‌نشیند که هنوز اقتدار کافی برای اداره آن ندارد. این عدم‌اقتدار تا تقاضای کمک از آمریکا در اواخر دهه ۱۳۲۰ ادامه داشت و در نهایت با کودتای مردادماه ۱۳۳۲ خاتمه می‌یابد.

از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۸، شورای عالی معارف (که در سال ۱۳۱۶ به شورای عالی فرهنگ تغییر نام داده بود)، اصلی‌ترین و تخصصی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در حوزه آموزش و پرورش و مدارس است و تلاش زیادی در مستحکم‌کردن نظام آموزشی نوین دارد، اما با شروع آشفته‌گی‌های جنگ جهانی این روند با خللی جدی روبه‌رو می‌شود. از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۷ با رفتن رضاشاه بسیاری از فرایندهای پیشین به کلی متوقف می‌شوند. این دوره همانند دوره فترتی است که سراسر کشور در تعلیق قرار دارد و امکانی برای رشد و استقرار روندهای جدید آموزشی وجود ندارد. بنابراین دوره ۹ ساله مذکور به‌لحاظ تأسیس یا حذف گونه‌های مدرسه نکته ویژه‌ای را دربر ندارد؛ مهم‌ترین مسئله این دوران همین توقیفی است که آستن تغییرات جدید است و امکان ایجاد تغییر ساختار و خارج کردن نظام برنامه‌ریزی آموزشی و تفکر و نظارت بر گونه‌های مدرسه را از دست شورای عالی فرهنگ فراهم می‌کند.

## ۲. گونه‌های مدارس از آغاز ورود مشاوران ماورای‌بحار (۱۳۲۷) تا پایان اجرای اصل چهار ترومن (۱۳۳۴)

در این دوره برای ریل‌گذاری تغییر ساختار دولتی در ایران و حضور مستمر مستشاری در حوزه‌های مختلف از جمله آموزش و پرورش، سازمانی آمریکایی (دفتر اصل چهار ترومن)<sup>۱</sup> تأسیس شد. براساس گزارش‌های دکتر مشرف نفیسی درباره دوره ریاست خود در سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۸ در سازمان برنامه، در سال ۱۳۲۶ دولت ایران درخواست وامی ۲۰۰ میلیون دلاری به بانک بین‌المللی می‌دهد. طی سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۷ نیز دو گروه مستشاری از آمریکا برای تدوین برنامه توسعه هفت‌ساله در ایران استقرار می‌یابند؛ گروه اول با عنوان «موریسن کنودسن» و گروه دوم «مشاوران ماورای‌بحار»<sup>۲</sup>. کارشناسان آمریکایی ماورای‌بحار طی چهار ماه مطالعه و بازدید از مناطق مختلف ایران طرحی آماده کردند که در ۱۳ تیرماه ۱۳۲۸ به سازمان برنامه به‌عنوان طرف قرارداد دریافت وام تحویل داده می‌شود. براساس این طرح برای توسعه اقتصادی ایران، باید در سه حوزه آموزش و پرورش، بهداشت و کشاورزی تحولاتی روی دهد که نیازمند دریافت تسهیلات مالی زیادی است. هر چند اعطای وام تا سال ۱۳۳۲ و استقرار دفتر اصل چهار در ایران به تعویق می‌افتد، اما گزارش ارائه‌شده درباره آموزش و پرورش را باید شروع برنامه‌ریزی جامع درسی بر مبنای توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران دانست؛ برنامه‌ای که پیشنهاد اولیه‌اش جایگزینی نظام آموزشی آمریکایی به‌جای نظام فرانسوی بود و از این نظر می‌توان آن را اولین سند تحولی نظام آموزشی تلقی کرد.

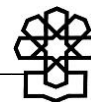
همان‌گونه که در پیشینه پژوهش اشاره شد، بخش توصیفی سند ۱۳۲۷ مشاوران ماورای‌بحار<sup>۳</sup> اولین پژوهش جامع در زمینه گونه‌های موجود مدارس در ایران است که البته با ابهامی در تعریف گونه روبه‌روست. همچنین در بخش تجویزی آن نیز پیشنهادهای مشخصی در حوزه مدارس عشایری، مدارس روستایی و انواع دیگری است که تأثیر مستقیم در برنامه توسعه اقتصادی ایران داشته باشد و بخشی از این ایده‌ها با فعالیت مستقیم مستشاران آمریکایی در دفتر اصل چهار در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ جامه عمل به خود پوشید. توجه و برنامه‌ریزی برای مدارس ایران در این دوره، مبتنی بر دو ویژگی بسیار مهم است:

۱. پس از پایان جنگ جهانی دوم و با شروع جنگ سرد هر دو ترومن، رئیس‌جمهور آمریکا، در سخنرانی ۲۰ ژانویه ۱۹۴۸ اصول چهارگانه خود را برای تقابل با بلوک شرق مطرح کرد. اصل چهارم مربوط به کمک آمریکا به کشورهای به اصطلاح توسعه نیافته بود که این برنامه استعماری از طریق تأسیس دفاتر اصل چهار در این کشورها به اجرا درآمد.

۲. گزارش‌های آقای مشرف نفیسی (۱۳۲۶ و ۱۳۲۸ ش). سازمان برنامه و بودجه. آدرس فایل الکترونیک این سند در پرتال امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه :

<https://mpb.mporg.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=be833eca-dad0-47df-b4cf-d6812a26c32d>

3. Overseas Consultants (1949). Report on Seven-Year Development Plan for the Plan Organization of the Imperial Government of Iran. V. ۲. Public Health Education. New York. 1949.



**الف) مدرسه به‌عنوان ابزار توسعه اقتصادی:** این ویژگی رویکرد انتخابی مشاوران خارجی است که در نقطه مقابل رویکرد شورای عالی برای گسترش آموزش عمومی قرار گرفت و مبتنی بر آن، مدرسه ابزار توسعه اقتصادی بود. در جای‌جای گزارش آموزش و پرورش مشاوران ماورای‌بحار تعبیری از این دست به چشم می‌خورد: «توجه به این موضوع از آن روست که تأثیر مستقیم در برنامه هفت‌ساله توسعه اقتصادی دارد.» برای مثال وقتی به تشریح ویژگی‌های نگرشی مردم ایران می‌پردازند تا بر آن اساس تجویزی برای نظام آموزشی صادر نمایند، ملاک تعیین خصوصیات نگرشی را چنین مطرح می‌کنند: «همواره این مسئله که بخواهیم ویژگی‌های روان‌شناختی مردمی را طبقه‌بندی نماییم، امری خطیر است؛ به‌ویژه برای مشاهده‌گران خارجی. در هیچ فرهنگی و به‌ویژه در ایران گروهی از ویژگی‌ها که همگانی باشند وجود ندارد؛ در بهترین حالت این ویژگی‌ها مختص گروه خاص یا شخصیت‌هایی در درون این گروه هستند. اما شاید بتوان به‌گونه‌ای منصفانه تعدادی ویژگی‌های نگرشی و روان‌شناختی نسبتاً عمومی در جامعه ایرانی را برشمرد که *ارتباط مستقیم با تولید اقتصادی* و استانداردهای زندگی مردم دارد. اگر چنین ویژگی‌های نگرشی و روان‌شناختی را بتوان یافت، دلالت‌های ویژه‌ای برای هر برنامه آموزشی که *ذیل طرح توسعه هفت‌ساله تعریف شود*، خواهد داشت.» این نوع نگاه بدون شک، تأثیر بسزایی در تغییر رویکرد به مدرسه از نگاه تعالی‌بخشی فرهنگی به هزینه-فایده اقتصادی داشته است.

**ب) مدرسه به‌عنوان ابزار اجرای برنامه استعماری:** اصل چهار بدون شک برنامه‌ای استعماری و طرحی مرتبط با جنگ سرد آمریکا و شوروی بود که در بیش از سی کشور به اجرا درآمد. از مهم‌ترین بخش‌های این طرح، برنامه‌های آموزشی بود که به تحول در سبک زندگی در حوزه‌های مختلف از جمله نحوه کشاورزی و کشت‌وکار، مسائل بهداشت خانواده، مسائل جمعیتی و حتی نحوه خانه‌داری و استفاده از کالاهای خارجی در خانه و آشپزخانه مرتبط بود.

#### معیار هفتم - اولویت توسعه اقتصادی ایران

نتیجه: تغییر هدف و جهت‌گیری مدرسه برای تربیت نیروی کار شغلی، حرفه‌ای و فنی

نمونه جالب توجه مراکز آموزشی این دوره، آموزشگاه‌های خانه‌داری اصل چهار است که با نوع آموزش‌هایی که در نظام رسمی آموزش و پرورش و در فضایی مجزا از مدرسه ارائه کرد، تأثیرات چشمگیری از خود برجای گذاشت که کمتر در پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند. آموزش‌های خانه‌داری نمونه جالبی از دخالت‌های خارجی در سطح خرد مدارس است.

در سال ۱۹۵۴، جمعی از کارمندان وزارت کشور برای آموزش دیدن در حوزه مسکن و پیشرفت‌های آن ذیل برنامه آموزشی دفتر اصل چهار در ایران به ایالات متحده اعزام شدند. اصل چهار اصرار داشت محصلان زن ایرانی با این گروه اعزام شوند تا بتوانند تعاملات زنان خانه‌دار و بچه‌ها را در

فضای باز و زمین‌های بازی و مجموعه‌های مسکونی بلندمرتبه بررسی کنند. علاوه بر این، دپارتمان اقتصاد خانگی ایران نیز توسط اصل چهار تأسیس شد که رئیس آن برنیس کینگ<sup>۱</sup> عضو وابسته به وزارت آموزش ایالات متحده بود. او در زمینه فعالیت‌های دپارتمان ابراز داشت: معرفی مبلمان بومی غربی و مدل‌های غربی زندگی کردن، فرصت واقعی را برای ارتقای سطح زندگی در کل کشور به وجود آورده است.<sup>۲</sup> پاملا کریمی (۲۰۰۳) درباره برنامه این مدارس و نحوه تأثیرشان می‌نویسد: «بخش آموزش و تحصیلات اصل چهار، کارش را با ایجاد بخش اقتصاد خانه در پایتخت و پس از آن با مدرسی شبیه آن در شهرهای دیگر آغاز کرد. در همه شهرها برنامه‌ای که برای دختران دبیرستانی تهیه شده بود، در «خانه‌های الگو» برگزار می‌شد. دانش‌آموزان باید ساعات اختصاص داده شده به خانه‌داری را در این خانه‌ها می‌گذراندند و سپس برای حضور در سایر کلاس‌هایشان به دبیرستان باز می‌گشتند... . طراحی داخلی و دکور خانه یکی از بنیادی‌ترین جنبه‌های آموزشی بود که در سبک زندگی ایرانیان مؤثر واقع شد. در واقع خود این مدارس به‌عنوان الگوی آتی خانه‌های ایرانی طراحی شده بودند... . بدون شک، تحول در نحوه پخت‌وپز، بهداشت و دیگر فعالیت‌های خانگی که در این مدارس آموزش داده می‌شد، ابزاری برای خلق زن جدیدی بود که گرایش به استفاده از محصولات غربی در آشپزخانه و خانه پیشرفته خود داشته باشد»<sup>۳</sup>. اینکه این آموزشگاه‌ها با عنوان مدرسه شناخته می‌شدند یا نه و اینکه پس از خروج نیروهای اصل چهار عاقبت خانه‌های الگو چه می‌شود، نامعلوم است.

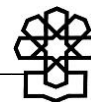
### ۳. تنوع مدارس از تعطیلی دفتر اصل چهار (۱۳۳۴ ش) تا پایان دوره پهلوی (۱۳۵۷ ش)

شکل‌گیری سازمان‌های جدید در حوزه برنامه آموزشی و رفع انحصار شورای عالی فرهنگ به‌عنوان مرجع تصمیم‌گیری در حوزه تنوع و برنامه مدارس از ویژگی‌های این دوره است. با توجه به دو ویژگی که در بالا اشاره کردیم، برنامه‌های تیم آمریکایی در سال ۱۳۲۷ طرح‌ریزی شد و در سال ۱۳۳۲ با تأسیس دفتر اصل چهار به مرحله اجرا رسید و در این دوره علاوه بر فعالیت‌های مصداقی و جزئی، ساختارهایی چیده شد که مستشاران آمریکایی حضوری مستمر در تصمیم‌سازی نظام آموزشی ایران داشته باشند. از جمله این ساختارها، اداره مطالعات و برنامه‌ها ذیل وزارت فرهنگ بود که در سال ۱۳۳۶ تأسیس شد و در ساختار سازمانی آن، جایگاه مستشاران خارجی بالاتر از معاونان سازمان بود و بدین‌صورت جایگاهی برای طراحی نظام آموزشی و مدرسه‌ای خارج از شورای عالی شکل گرفت که مستشاران خارجی در آن حضوری دائمی و سطح بالا داشتند. با شکل‌گیری چنین سازمان‌هایی در دل وزارت فرهنگ، مرجع تصمیم‌گیری در زمینه مسائل آموزشی و

1. Bernice W. King

2. Z. Pamela Karimi . Transitions in Domestic Architecture and Home Culture in Twentieth Century Iran. University of Arizona. 2003. P.162.

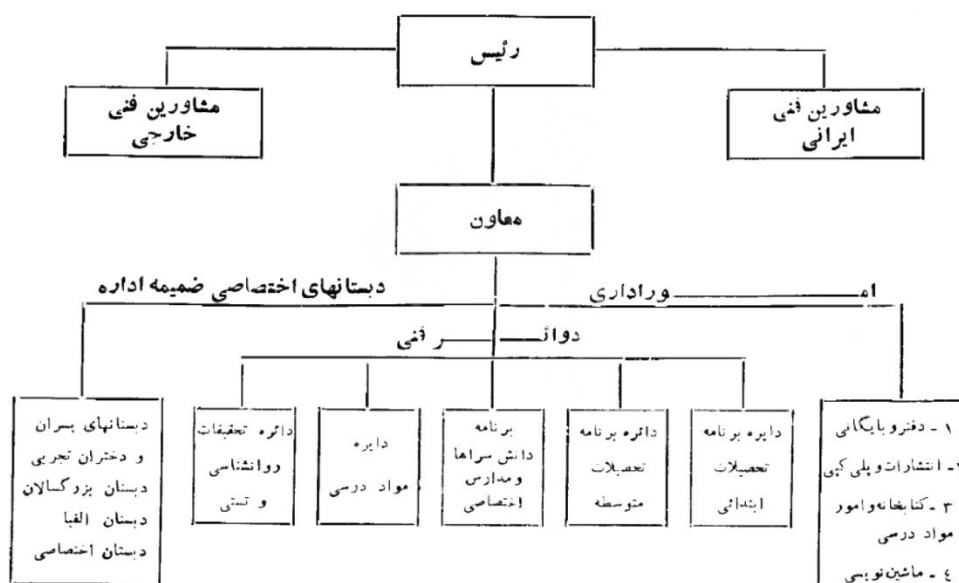
3. *Ibid.* PP: 163-170.



فرهنگی متکثر شد و در کنار شورای عالی شاهد فعالیت جدی این سازمان‌ها و ادارات هستیم. از همه مهم‌تر سازمان برنامه بودجه بود که از زمان تأسیس در سال ۱۳۲۷ با تدوین طرح‌های توسعه کشور به موازات مجلس، تأثیری مستقیم در سیاست‌های کلان آموزشی داشت که تا امروز نیز این نقش پابرجا مانده است.

### نمودار ۱. ساختار سازمانی اداره مطالعات و برنامه‌ها در آغاز تأسیس (۱۳۳۶)

#### سازمان اداره مطالعات و برنامه‌ها



مأخذ: ماهنامه آموزش و پرورش، سال بیست‌وششم، شهریورماه ۱۳۳۶.

توضیحات دکتر محسن دانابهشتی، نماینده ایرانی دفتر اصل چهار در بخش آموزش و پرورش تهران، شاهد روشن این موضوع است. وی فعالیت‌های اصل چهار در تهران را در طی سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴، که مبتنی بر سند ۱۳۲۷ پیش می‌رفت، این‌گونه توضیح می‌دهد: «ما سه نفر بودیم. آقای بری یوسا که اهل یوتا بود و ایده‌های فرهنگی داشت و ایزکوردو که حسابدار بود و وظیفه حساب و کتاب را به عهده داشت و من. بری یوسا طرح می‌داد، من عمل می‌کردم و ایزکوردو هم حسابداری می‌کرد. سال ۱۳۳۴ دکتر مهران وزیر آموزش و پرورش شد. من از طرف «تهران تیم» پیش وزیر رفتم و به او پیشنهاد دایر کردن مدارس ملی را دادم. او به من پیشنهاد داد اول خودت قدم بردار. من هم پذیرفتم. بعد در یک جلسه که آقای یمینی‌شریف هم بود، دوباره رفتم پیش دکتر مهران. قرار شد دو سه روز بعد لایحه به مجلس بدهد و از این دوره مدارس ملی پدید آمدند. زیرا جمعیت روبه رشد بود و به این کار نیاز داشت و آدم‌هایی چون من و یمینی‌شریف هم مدرسه ملی راه انداختیم. تا پنج شش سال حرکت ایجاد مدارس ملی ضعیف بود. اما از ابتدای دهه چهل این ذره‌ذره‌ها جمع شدند تا ناگهان

به یک بهمن عظیم تبدیل شدند. در این دوره هرکسی از سرهنگ بازنشسته گرفته تا هرکسی در خودش صلاحیت می‌دید می‌آمد و اجازه تأسیس مدرسه می‌گرفت»<sup>۱</sup>.

این اشاره کوتاه نشان می‌دهد دفتر اصل چهار تا چه حد در تعریف برنامه‌های آموزشی و حتی ارائه طرح و تصویب قانون در مجلس و وزارت فرهنگ دست باز داشته است. هرچند این نقل که آغاز مدارس ملی در دهه ۱۳۳۰ بوده است، از نظر تاریخی با ابهام روبه‌رو است، زیرا تمام مدارس مردمی و خصوصی دوره قاجار و پهلوی از جهت مدیریتی و مالی خصوصی محسوب می‌شدند و دقیقاً با همین عنوان هم در صورت مذاکرات و مصوبات شورای عالی قید شده‌اند،<sup>۲</sup> اما با توجه به اهمیتی که مشاوران ماورای‌بحار برای این‌گونه مدارس در تغییر فلسفه فرانسوی به آمریکایی در آموزش و پرورش ایران قائل بودند،<sup>۳</sup> سرعت پیشرفت کار این مدارس و گسترش آن طی دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ افزایش یافت و این ماجرا ادامه می‌یابد تا در سال ۱۳۴۸ آیین‌نامه مدارس غیردولتی در شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب می‌رسد.<sup>۴</sup>

از دیگر تحولات این دوره طرح دوره راهنمایی تحصیلی به‌جای متوسطه دوره اول است که از الگویی مشابه نظام آموزشی آمریکا نشئت گرفت و طرح آن توسط سازمان مطالعات و برنامه‌ها به پیش رفت و در نهایت در سال ۱۳۵۰ به اجرا درآمد. فخری رهرو، مدیرکل برنامه‌ریزی آموزش راهنمایی تحصیلی، ضرورت این تغییر ساختار مدارس را این‌گونه توضیح می‌دهد: «با توجه به توسعه اقتصادی و اجتماعی از یک طرف و گرایش سریع کشور ما به‌سوی صنعتی شدن از جانب دیگر، این الزام به‌وجود آمد که تغییراتی منطبق با نیازمندی‌های اقتصادی جامعه در نظام آموزشی کشور داده شود؛ زیرا لازمه یک کشور در حال توسعه، وجود دستگاه تعلیم و تربیت منظمی است که بتواند افرادی شایسته و کاردان و سازنده پرورش دهد که قادر باشند چرخ‌های اقتصادی و اجتماعی را به‌نحو احسن به حرکت درآورند»<sup>۵</sup>.

ماجرایی که برای هنرستان‌ها، دبیرستان‌های کشاورزی و آموزشگاه‌های حرفه‌ای کشور هم روی می‌دهد تا حدودی از الگوی مشابه پیروی می‌کند. این‌گونه مدارس با اینکه از پیش وجود داشتند، اما به‌دلیل قرار گرفتن نظام آموزشی ذیل طرح‌های توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار شد و با برنامه‌ای

۱. مصاحبه با محسن دانابهشتی مسئول بخش فرهنگی اصل چهار ترومن در ایران. تاریخ ادبیات کودکان ایران، جلد ۵. ص ۱۰۴.

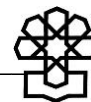
۲. برای مثال می‌توان به اسناد مربوط به مدارس ملی در سال‌های پیش از دهه ۱۳۲۰.ش اشاره نمود. بنگرید به: قانون راجع به رسمیت مدارس ملی مصوب ۲۷ مهرماه ۱۳۰۹.

متمم نظامنامه‌های کمک خرج محصلین بی‌بضاعت و مدارس ملی مصوب کمیسیون معارف مصوب ۱۰ شهریورماه ۱۳۱۵. نظامنامه کمک خرج مدارس ملی تهران مصوب ۲ آذر ماه ۱۳۱۲.

3. Overseas Consultants. (1949). Report on Seven-Year Development Plan for the Plan Organization of the Imperial Government of Iran. V. ۲. Public Health Education. New York. 1949

۴. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش. آیین‌نامه مدارس غیردولتی. مصوب ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۸.

۵. مصاحبه با فخری رهرو به‌نقل از: ناصر ضیائی، دوره راهنمایی تحصیلی، مکتب مام، تیرماه ۱۳۵۰.



مفصل، طرح توسعه و اصلاح آنها توسط آمریکایی‌ها طرح‌ریزی شد و طی سال‌های بعد در شورای عالی به تصویب رسیدند:

۱۳۳۷/اساسنامه هنرستان‌ها؛<sup>۱</sup>

۱۳۳۷/مدارس کشاورزی؛<sup>۲</sup>

۱۳۳۷/اساسنامه آموزشگاه‌های حرفه‌ای کشور.<sup>۳</sup>

علاوه بر این، برخلاف تصور رایج درباره مدارس میسیونری و محدود دیدن آنها به دوره قاجار، در دوره پهلوی دوم این‌گونه مدارس و همچنین مدارس بین‌المللی، در شهرهای بزرگ ایران گسترش یافتند. از جمله مدارس میسیونری این دوران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مدارس آلیانس که توسط میسیون یهودیان فرانسه و «انجمن آلیانس جهانی اسرائیل» در شهرهای مختلف ایران تأسیس یافتند؛<sup>۴</sup> مدرسه سن‌لویی توسط میسیون لازاریست‌های فرانسوی؛<sup>۵</sup> دبیرستان ادونتیست توسط میسیون ادونتیست‌های روز هفتم آمریکا؛<sup>۶</sup> رودابه اصفهان؛ بوعلی سینا؛ انوشیروان تبریز؛ پیشداد رضاییه و... . مدارس بین‌المللی را نیز براساس سندی در ابتدای پیروزی انقلاب می‌توان این‌گونه برشمرد: ایران‌زمین، کامیونیتی، رستم‌آبادیان، آلمانی، رازی (میسیون لائیک فرانسه)، پیروزی، آزادی، ایرانشهر، گلستان کودک، کورس، کیاست، شمس حکمت، خرد شیراز، پاسارگاد اهواز، پرسپولیس اراک، پارتیان، راستین و مدرسه جهان آبادان.<sup>۷</sup>

رویکردی که در این دوره توسط مسئولان مختلف نظام آموزشی مطرح می‌شود، تأثیرپذیری از رویکرد مستشاران آمریکایی را به‌وضوح نشان می‌دهد. درباره بسیاری از تحولات این دوره می‌توان چنین تلقی کرد که این جریان‌ها نشانگر تعیین اولویت‌ها و برنامه‌ها توسط مستشاران خارجی، تصویب آن در مجلس و شورای عالی آموزش و پرورش و در نهایت اجرایی شدن آن توسط وزارت آموزش و پرورش و نیروهای اجرایی داخلی است. همچنین در این دوره با تأسیس سازمان برنامه و بودجه و اداره مطالعات و برنامه، مراجع تصمیم‌گیری در حوزه مدارس تکثر بیشتری می‌یابند. به‌علاوه، گسترش مدارس کودکان استثنایی که از حوالی سال ۱۳۰۰ آغاز به‌کار کرده بودند و در دوره‌های بعد با اساسنامه اختصاصی فعالیت می‌کردند نیاز به تشکیل دفتری در این حوزه را نشان داد. در سال ۱۳۴۷ مجموع این تلاش‌ها در تشکیل «دفتر امور کودکان استثنایی» آموزش و پرورش به‌بار نشست. ضرورت تشکیل این دفتر را در موارد ذیل می‌توان خلاصه کرد:

۱. مجموعه مصوبات شورای عالی فرهنگ، اساسنامه هنرستان‌ها، مصوب ۱۱ خردادماه ۱۳۳۷.
۲. مجموعه مصوبات شورای عالی فرهنگ، اساسنامه دبیرستان‌های کشاورزی، مصوب ۱۱ خردادماه ۱۳۳۷.
۳. مجموعه مصوبات شورای عالی فرهنگ، اساسنامه آموزشگاه‌های حرفه‌ای کشور، مصوب ۱ تیرماه ۱۳۳۷.
۴. آرشیو ملی اسناد، شناسه سند: ۲۹۷/۱۷۲۴۳.
۵. آرشیو ملی اسناد، شناسه سند: ۲۹۷/۱۸۴۷۲.
۶. آرشیو ملی اسناد، شناسه سند: ۲۹۷/۱۲۱۱۳.
۷. آرشیو ملی اسناد، شناسه سند: ۲۹۷/۵۰۴۲۳.

- توجه به کودکان معلولی که تا آن زمان نه در مدارس استثنایی و نه در مدارس عادی توجهی به آنان نشده بود. از جمله کودکان معلول ذهنی، معلول حرکتی، معلول عاطفی و...؛
- تعمیم و توسعه آموزش استثنایی در کلیه استان‌ها و شهرستان‌های کشور؛
- یگانه کردن مراکز تصمیم‌گیری برای معلولان؛
- وحدت‌بخشیدن به مراکز تصمیم‌گیری برای معلولان و جلوگیری از سلیقه‌ای عمل کردن؛
- ممانعت از انجام فعالیت‌های تکراری و موازی.<sup>۱</sup>

تشکیل «دفتر امور کودکان استثنایی» جرقه‌ای بود برای توجه به طیف دیگری از دانش‌آموزان استثنایی، یعنی دانش‌آموزان تیزهوش. یک سال پس از تأسیس این دفتر، آموزش کودکان تیزهوش به‌طور رسمی در ایران آغاز می‌شود و در سال ۱۳۵۵ با تأسیس سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان به‌طور مستقل پیگیری می‌شود.<sup>۲</sup>

#### جمع‌بندی دوره سوم

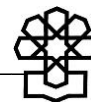
با شروع جنگ جهانی و آشفتگی عمومی اوضاع کشور، جریان پیوسته استقرار نظام آموزشی جدید که با منطقی خاص توسط شورای عالی معارف پیش می‌رفت دچار وقفه‌ای چندساله شد. پس از این دوره تعلیق، با ورود مستشاران آمریکایی و تغییر ساختارهای دولتی در ایران، مجلس و شورای عالی معارف، با چالشی جدید یعنی ایجاد نهادهایی موازی در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مدارس روبه‌رو شدند. مهم‌ترین یافته‌های مرتبط با تنوع مدارس در این دوره عبارتند از:

۱. با حضور نیروهای مستشاری آمریکا و تأسیس دفتر اصل چهار و سازمان برنامه برای برنامه‌ریزی جامع ملی، مرجع دیگری نیز در مسئله تنوع مدارس ورود می‌کند که جایگاهی تعریف شده ندارد و در همه سطوح از کلان‌ترین سطح برنامه‌ریزی ملی مدارس تا ایجاد آموزشگاه‌های خانه‌داری، دخالت می‌کند و فرایند مذاکره و تصمیم‌گیری سنجیده در حوزه این‌گونه مدارس را برهم می‌زند.

۲. علاوه بر دفتر اصل چهار، سازمان‌های دیگری همچون «سازمان برنامه و مطالعات» در دل آموزش و پرورش تأسیس شدند که علاوه بر استمرار نیروها و تفکر آمریکایی، دخالت در تصمیم‌گیری‌های شورای عالی فرهنگ نیز شکلی پیوسته به‌خود گرفت.

۱. احمد امیدوار، سیر تاریخی آموزش و پرورش استثنایی در ایران، تهران، پژوهشکده آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۸.

۲. همان، ص ۲۵۰.



۳. با استقرار تفکر برنامه‌ریزی آمریکایی در قالب اصل چهار ترومن و تدوین اولین طرح توسعه هفت‌ساله کشور توسط ایشان، توسعه اقتصادی اولویت یافت. به‌دنبال آن مدرسه ابزار توسعه اقتصادی شد که در جهت‌گیری مدرسه به‌سوی تربیت شغلی و نیروی کار حرفه‌ای و همچنین تغییر ساختار تحصیلی و ایجاد دوره راهنمایی تحصیلی نمود یافت.
۴. بنابراین در این دوره مبنای دیگری در حوزه تنوع مدارس به معیارهای پیشین افزوده می‌شود: توسعه اقتصادی به‌عنوان تعیین‌کننده هدف مدرسه.

### جدول ۳. تنوع مدارس و معیارهای آن در دوره: از آغاز جنگ جهانی دوم تا پایان حکومت پهلوی

دوره تاریخی	معیارهای اصلی تنوع مدارس	گونه‌های تأسیس یافته	مرجع تصویب یا برنامه‌ریزی	گونه‌های حذف شده (یا تغییر جدی در گونه‌ها)
از تحولات جنگ جهانی دوم تا پایان دوره پهلوی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• قانونی بودن با مصوبه شورای عالی معارف</li> <li>• محوریت توسعه اقتصادی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>براساس تفاوت‌های دانش‌آموزی</li> <li>• مدارس عشایری</li> <li>• مدارس استثنایی</li> <li>• مدارس تیزهوشان</li> <li>براساس محتوا و برنامه آموزشی</li> <li>• مدرسه راهنمایی</li> <li>• آموزشگاه‌های خانه‌داری</li> <li>براساس نوع مدیریت</li> <li>• مدارس بین‌المللی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• شورای عالی فرهنگ</li> <li>• شورای عالی فرهنگ</li> <li>• شورای عالی فرهنگ</li> <li>• سازمان مطالعات و برنامه‌ها</li> <li>• دفتر اصل چهار ترومن</li> <li>• شورای عالی فرهنگ</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• حذف متوسطه اول، جایگزینی راهنمایی تحصیلی</li> <li>• تغییر در برنامه درسی و آموزشی به‌تبع آن</li> <li>• تغییر اساسی در ساختار هنرستان‌ها و مراکز فنی و حرفه‌ای</li> </ul>

### دوره چهارم - تنوع مدارس پس از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی و برچیده‌شدن نظام پهلوی، مسائل گوناگونی در حوزه اجتماعی و فرهنگی از منظر رویکردهای انقلابی مطرح شد که از مهم‌ترین آنها نفی نفوذ و سلطه بیگانگان و عدالت‌گستری بود. این دو خواسته که از ابتدای مبارزات انقلابی مورد توافق گروه‌های مختلف انقلابی بود، از همان ابتدای پیروزی، تأثیر مستقیمی بر نظام آموزش و پرورش و اداره مدارس گذاشتند. روند این تأثیرگذاری، در گام‌های اول حذف برخی از انواع مدارس و در گام دوم تصویب انواعی از مدارس بود. فرایند تصویب معمولاً فرایندی تدریجی بود. مکانیسم و مراجع تصویب حذف یا تأسیس نوعی از مدارس در این دوره نیز یافته‌های قابل توجهی دارد.

اولین سند مرتبط با این مسئله را باید سندی به امضای کفیل وزارت آموزش و پرورش، شهید رجایی در تاریخ ۸ مهرماه ۱۳۵۸ دانست که طبق آن «مدارس بین‌المللی» از پذیرش دانش‌آموزان

پیش‌دبستان و ابتدایی منع شدند تا به‌مرور حذف شوند و مدارس میسیونری نیز از پذیرش دانش‌آموزان مسلمان منع شدند.<sup>۱</sup> بنابر این سند باید اولین گونه مدارس حذف‌شده بعد از انقلاب را مدارس بین‌المللی دانست.

حذف مدارس بین‌المللی بعد از انقلاب اسلامی مربوط به معیار مدیریت و بر مبنای نفی نفوذ بیگانگان صورت گرفت. اما همان گونه که بیان شد، علاوه بر مسئله عدم نفوذ و سلطه بیگانگان، ایده عدالت‌گستری نیز اهمیتی اساسی داشت. این مسئله تأثیری عمیق‌تر بر حذف انواعی از مدارس در ابتدای انقلاب داشت به‌گونه‌ای که براساس مصوبه مورخ ۱۳۵۸/۲/۱۲ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۷<sup>۲</sup> مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش منتفی شد: «به‌منظور توزیع عادلانه امکانات آموزشی و بهره‌گیری صحیح از تحصیل رایگان بر طبق اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود کلیه واحدهای آموزشی غیردولتی را که در تاریخ تصویب این قانون دایر بودند و با کسب اجازه تأسیس از وزارت آموزش و پرورش اداره می‌شدند، براساس آیین‌نامه خاصی از اول تیرماه ۱۳۵۹ به‌صورت دولتی اداره نماید».<sup>۳</sup> بدین ترتیب مدارس ملی و مردمی یعنی همان غیردولتی‌ها نیز دومین گونه مدرسی بودند که پس از انقلاب حذف شدند و طبق قاعده‌ای استثنایی در مدت مذکور فقط چهار مدرسه علوی، نیکان، رفاه و احمدیه به حیات خود ادامه دادند. حذف مدارس ملی مربوط به معیار مدیریت مدرسه و بر مبنای خوانش خاصی از عدالت‌گستری صورت گرفت.

#### معیار هشتم - تحقق عدالت آموزشی

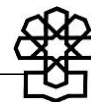
نتیجه: حذف مدارس ملی، تأسیس مدرسه‌های شبانه‌روزی و نمونه دولتی برای تأمین فرصت برابر کمی و جبران کاستی برای اقشار ناتوان از دستیابی به فرصت برابر

ذیل این مسئله دوگانه‌های مختلفی بر سر راه تصمیم‌گیری مسئولان آموزش و پرورش قرار گرفت: در نوع نگاه انقلابی عدالت‌گستری از اهمیت خاصی برخوردار بود، اما از سوی دیگر اداره/مور به دست مردم نیز خواسته‌ای اساسی به‌نظر می‌رسید که در نهایت روایت خاصی از عدالت‌گستری (برابری) به نفی کامل خواسته دوم در حوزه آموزش و پرورش منجر شد. در همین حال، سیر بی‌سابقه رشد جمعیت، فشار تحریم‌های اقتصادی و بار سنگین اقتصادی آموزش و پرورش نیز، که از ابتدای تدوین طرح‌های توسعه به‌صورت هزینه-فایده دیده می‌شد، به بحرانی برای دولت تبدیل شد. از این تاریخ

۱. آرشیو ملی اسناد، شناسه سند: ۵۰۴۲۳/۲۹۷.

۲. قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی مصوب ۱۳۶۷/۳/۵.

۳. لایحه قانونی راجع به اداره واحدهای آموزش غیر دولتی به صورت دولتی، مصوب ۱۳۵۸/۱۲/۲، شورای انقلاب.



تاکنون یکی از مهم‌ترین چالش‌های آموزش و پرورش در زمینه تنوع مدارس را باید مسئله مدیریتی و اقتصادی مدارس از منظر مشارکت عمومی و برداشت بار آن از دوش دولت دانست؛ مسئله‌ای که طی سال‌های حذف مدارس ملی و مردمی به سرعت تأثیر خود را نشان داد. این جریان طی بیش از ۳۰ سال در قالب تصمیم‌گیری‌های متفاوتی در حوزه مدارس و تأسیس گونه‌های مختلفی از جمله مدارس نمونه دولتی، غیرانتفاعی، غیردولتی، هیئت امنایی و... با نگاه مالکیت، کیفیت تحصیلی، تنوع و عدالت آموزشی، دسترسی همگانی و... مطرح شدند.

دهه ۱۳۷۰ آغاز فعالیت مجدد بخش غیردولتی در آموزش و پرورش با تصویب قانون مدارس غیرانتفاعی در مجلس شورای اسلامی بود.

### قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی مصوب ۱۳۶۷/۳/۵

ماده (۱)- مدارس غیرانتفاعی مدارسی است که از طریق مشارکت مردم، مطابق اهداف و ضوابط و برنامه‌ها و دستورالعمل‌های عمومی وزارت آموزش و پرورش تحت نظارت آن وزارتخانه تأسیس و اداره می‌شوند.

#### معیار نهم- تحقق مشارکت مردمی

#### نتیجه: تأسیس مدارس غیرانتفاعی، غیردولتی

مدارس غیرانتفاعی از اواخر دهه ۱۳۶۰ به یاری مدارس دولتی آمدند. اما مجدداً مشاهده شد که ترکیب این دو نیز نواقصی دارد و نیاز به تصمیم‌گیری تکاملی است. از این‌رو گزینه مدارس نمونه دولتی و نمونه مردمی و هیئت امنایی طرح شد. در سال ۱۳۸۳ مدارس هیئت امنایی با هدف گسترش مشارکت همه‌جانبه مردمی و سپردن امور مدرسه به خود مردم آغاز شد و تا سال ۱۳۸۶ مرحله آزمایشی آن در استان‌های مختلف کشور ادامه داشت. لایحه اصلاح قانون مدارس غیرانتفاعی در سال ۱۳۸۷ در مجلس طرح شد و تعداد زیادی از بندهای آن به تصویب رسید. نهایتاً قانون «تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی غیردولتی» در سال ۱۳۹۵ و پس از کشمکش‌های مختلف به‌عنوان یک قانون دائمی توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

در زمینه مشارکت‌های خارج از آموزش و پرورش باید به اساسنامه مدارس وابسته به دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی به‌طور ویژه توجه کرد. همان‌گونه که در بخش‌های پیشین ملاحظه شد، تا پیش از انقلاب، مدارس وابسته به سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها براساس نیازهای شغلی و تخصصی، به‌صورت مدارس فنی و دانشسراها و با مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش تأسیس می‌یافتند. عامل اصلی تفکیک این‌گونه مدارس جدای از مدیریت و ارتباط با سازمان مورد نظر، سنخ برنامه آموزشی و حرفه‌ای بود که در انتها، نیاز خاصی از جامعه را برطرف می‌کرد. این روند اما در دوره بعد از انقلاب

به‌گونه‌ای دیگر و با هدف کاهش بار مدیریتی و مالی آموزش و پرورش از یک سو و دسترسی به آموزش‌های خاص برای قشر خاصی از جامعه (خانواده‌های کارکنان برخی سازمان‌های دولتی) پیگیری شد. گرچه این مدارس از حوالی دهه ۱۳۷۰ و با مدرسی همچون «مدرسه انرژی اتمی» شکل گرفتند، اما اساسنامه مرتبط با آن در سال ۱۳۸۸ اجازه گسترش این‌گونه را فراهم آورد:

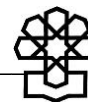
**اساسنامه «مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی وابسته به دستگاه‌های دولتی و سایر نهادهای عمومی» مصوب ۱۳۸۸/۶/۳**

در اجرای قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها و شهرستان‌ها و به‌منظور استفاده بهینه از مشارکت وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و سایر نهادهای عمومی، مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی وابسته به آنها در دوره‌های تحصیلی پیش دبستانی، ابتدایی، راهنمایی تحصیلی، متوسطه (نظری، فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش) و پیش‌دانشگاهی براساس قوانین و مقررات آموزش و پرورش تأسیس می‌گردند.

این مدارس در راستای اهداف کلی و هدف‌های دوره‌های تحصیلی نظام آموزش و پرورش کشور، با استفاده از مشارکت سایر دستگاه‌ها تحقق اهداف زیر را مد نظر دارد:

- الف) ارتقای سطح کیفی و رقابت‌پذیری فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدارس؛
- ب) مشارکت و استفاده از ظرفیت دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی در توسعه آموزش و پرورش؛
- ج) تسهیل در ارائه خدمات آموزشی و پرورشی با اولویت برای فرزندان کارکنان دستگاه‌های مذکور؛
- د) توسعه فعالیت‌های پژوهش، خلاقیت، نوآوری، فناوری، کارآفرینی و پژوهشی.

پرسش اساسی مطرح بر سر وجود این‌گونه مدارس همان مسئله عدالت آموزشی است که تأمین مالی این مدارس آیا از طریقی غیر از بودجه عمومی است؟ اگر قرار است این بودجه عمومی صرف آموزش و پرورش و مدارس شود، چرا از ابتدا در اختیار وزارتخانه قرار نمی‌گیرد؟ آیا کارکنان همه سازمان‌های دولتی به یک میزان از این تسهیلات برخوردارند یا به نسبت بودجه‌ای که به هر سازمان تعلق می‌گیرد، میزان دسترسی به امکانات و کیفیت آموزش متفاوت است؟ چرا بخش خاصی از جامعه باید دسترسی متفاوتی به کیفیت و امکانات آموزشی آن هم از طریق بودجه عمومی داشته باشند؟ این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگری از این دست، بر سر مصوبه تأسیس مدارس توسط سازمان‌های دولتی وجود دارد. چالش مشارکت عمومی که در بحث مدارس دولتی و غیردولتی مطرح بود و از دهه ۱۳۷۰ به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در حوزه تنوع مدارس تبدیل شد، در ادامه مسیر خود به



بیراهه‌هایی همچون استفاده اختصاصی از بودجه عمومی با عنوان مشارکت خارج از آموزش و پرورش تبدیل شد.

### چالش تعدد مراجع تصمیم‌گیری

چالش دیگری که در کنار چالش مشارکتی و اقتصادی آموزش و پرورش پس از انقلاب اسلامی مطرح بوده است، مسئله مراجع متعدد تصمیم‌گیری است که البته با توضیحاتی که در بخش‌های قبل داده شد، مشخص شد این مراجع از زمان تأسیس سازمان برنامه و بودجه و طرح‌های تحولی دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ روبه رشد یا در حال تحول بودند و پس از انقلاب نیز این سیر ادامه یافت. مهم‌ترین مرجعی که پس از انقلاب در کنار شورای عالی آموزش و پرورش و مجلس شورای اسلامی برای تصمیم‌گیری در حوزه‌های فرهنگی و آموزشی قرار گرفت، شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

معیار دهم - گسترش مراجع تصمیم‌گیرنده و تفاوت در قدرت و نفوذ آنها (در هر دو دوره پهلوی<sup>۱</sup> و جمهوری اسلامی)<sup>۲</sup>  
نتیجه: تأسیس انواع مدرسه با هدف‌های مختلف به واسطه قدرت و نفوذ (خارجی‌ها در دوره پهلوی، دارندگان حق تعیین بودجه وزارتخانه در سازمان برنامه و بودجه، صاحبان قدرت و نفوذ در مراجع تصمیم‌گیری در دوره جمهوری اسلامی)

شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان مرجع عالی سیاستگذاری، تعیین خط‌مشی، تصمیم‌گیری و هماهنگی و هدایت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام محسوب می‌شود و تصمیمات و مصوبات آن لازم‌الاجرا و در حکم قانون است. «تحول دانشگاه‌ها و مدارس و مراکز فرهنگی و هنری براساس فرهنگ صحیح اسلامی و گسترش و تقویت هرچه بیشتر آنها برای تربیت متخصصان متعهد و اسلام‌شناسان متخصص و مغزهای متفکر و وطن‌خواه و نیروهای فعال و ماهر و استادان و مربیان و معلمان معتقد»<sup>۳</sup> که در ردیف وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌چشم می‌خورد، ورود این شورا به تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مدارس را به مسئله‌ای اساسی تبدیل کرده است.

البته مسئله اساسی در این زمینه نبود شوراها و مراجع تصمیم‌گیری نیست، بلکه تفکیک وظایف و مشخص نمودن سطح ورود به تصمیم‌گیری‌هاست. تصمیم‌گیری در حوزه تنوع مدارس سطوح مختلفی دارد که متأسفانه هنوز این تفکیک سطوح و نحوه همکاری و تعامل مراجع با یکدیگر،

۱. دفتر اصل چهار، سازمان برنامه و بودجه، اداره مطالعات و تعلیمات، شورای عالی فرهنگ.  
۲. شورای انقلاب، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش.  
۳. مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب ۲۰ آبان ماه ۱۳۷۶.

به درستی تعریف نشده است. نمونه جالب توجه این مسئله مدارس ایثارگران و مدارس شاهد هستند که مورد اول با مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش و مورد دوم مستقیماً با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده‌اند.

**معیار یازدهم - تعهد به خانواده‌های شهدا و ایثارگران و لزوم تربیت نیروهای متعهد به ارزش‌ها و نمادهای انقلابی - اسلامی**  
**نتیجه: تأسیس مدارس شاهد، مجتمع‌های رزمندگان و مدارس ایثارگران**

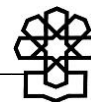
جدای از تحویل ماهیتی که در طی تاریخچه این مدارس در کارکرد و جامعه هدف آنها صورت گرفته است، همین اختلاف مرجع تصمیم‌گیری به تقابل این مراجع و ذی‌نفعان در مقابل هم منجر شد. با ارائه طرح حذف تنوع مدارس در مجلس در سال جاری، مدارس دارای اساسنامه در شورای عالی آموزش و پرورش، در صورت تصویب نهایی این طرح حق هیچ‌گونه تمریدی نداشتند اما مدارس شاهد از همان ابتدا تکلیف خود را با مجلس روشن کردند که به دلیل تصویب این مدارس در شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیچ مرجع اجرایی و قانونی بجز این شورا حق دخالت در تأسیس و حذف مدارس شاهد را ندارد.<sup>۱</sup> نمونه دیگر در ارتباط با مصوبه حذف تنوع مدارس، مدارس سمپاد بودند. طرح تصویب اساسنامه مدارس سمپاد نیز پیش از مصوبه مجلس در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شده بود و در سال ۱۳۹۷ به تصویب رسیده بود، اما در نهایت امضای رئیس‌جمهور پای آن قرار نگرفت. در همین حال با ادامه روند پیگیری شورای عالی انقلاب فرهنگی، اساسنامه سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان در مهرماه ۱۳۹۸ به تصویب رسید و ابلاغ شد. در خلال این رفت و برگشت‌ها و تصمیم‌گیری‌های موازی، موضع‌گیری‌های متفاوتی از سوی نمایندگان مجلس، وزیر و معاونان وزارتخانه و در نهایت کارشناسان، در خصوص حذف مدارس سمپاد صورت گرفت که هر یک با توجه به اساسنامه‌های مرتبط با سازمان و مدارس سمپاد در مراجع مختلف به نزاع پرداختند. در واقع ورود ناگهانی مجلس به حذف طیف گسترده‌ای از مدارس که مراجع مختلفی در تأسیس و گسترش آنها دخالت داشتند، چالش تنوع مدارس را به چالش پنهان مراجع گوناگون تأسیس و تصویب اساسنامه مدارس کشاند و نشان داد تا زمانی که سطح ورود هر یک از این مراجع و شیوه درست تعاملاتشان با یکدیگر مشخص نباشد، این نزاع برقرار خواهد ماند.

#### • اهمیت مصوبات مرتبط با تنوع مدارس در دوران پس از انقلاب اسلامی:

-قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی، مصوب مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۷/۳/۵؛<sup>۲</sup>

1. <http://ayaronline.ir/1398/08/298540.html>

۲. معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴)، گزارش سوابق لایحه «تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی»، دوره نهم، سال چهارم، قانون «تأسیس مدارس غیرانتفاعی» مشتمل بر ۲۱ ماده و ۱۵ تبصره در تاریخ ۱۳۶۷/۳/۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.



- اساسنامه مدارس ایثارگران، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۶۹/۷/۲؛<sup>۱</sup>
- اساسنامه طرح شاهد، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۶۹/۸/۲۹؛<sup>۲</sup>
- قانون تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی، مصوب مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۹/۹/۲۱؛<sup>۳</sup>
- اساسنامه دبیرستان تربیت بدنی و علوم ورزشی (وابسته به وزارت آموزش و پرورش)، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۷۲/۷/۱۵؛<sup>۴</sup>
- اساسنامه مجتمع آموزشی تطبیقی، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۷۰/۱۱/۱۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی؛<sup>۵</sup>
- اساسنامه دبیرستان‌های کاردانش رشته بهیاری، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۷۵/۱۰/۹؛<sup>۶</sup>
- اساسنامه مدارس شبانه‌روزی، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۷۸/۱/۱۹؛<sup>۷</sup>
- نحوه تأسیس دبیرستان‌های علوم و معارف اسلامی، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۸۱/۶/۷؛<sup>۸</sup>
- اساسنامه مدارس ورزش، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۸۴/۴/۲۵؛<sup>۹</sup>
- اساسنامه مدارس بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۸۷/۵/۲۹؛<sup>۱۰</sup>
- آیین‌نامه توسعه مشارکت‌های مردمی به شیوه مدیریت هیئت امنایی در مدارس، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۸۸/۲/۱؛<sup>۱۱</sup>
- اساسنامه مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی وابسته به دستگاه‌های دولتی و سایر نهادهای عمومی، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۸۸/۶/۳؛<sup>۱۲</sup>

- 
۱. مصوب جلسه ۵۱۴ تاریخ ۱۳۶۹/۷/۲ - شماره ابلاغ ۱۲۰/۹۰۰۰ تاریخ ۱۳۶۹/۷/۸ شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
  ۲. مصوب جلسات ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۶۲ مورخ ۱۳۶۹/۴/۲۶، ۱۳۶۹/۵/۲۳، ۱۳۶۹/۶/۶ و ۱۳۶۹/۸/۲۹ شورای مشترک کمیسیون‌های ۱ و ۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی حسب اختیارات تفویضی به ریاست شورای عالی.
  ۳. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و شش تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست‌ویکم آذرماه یک هزار و سیصد و شصت و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۹/۱۰/۵ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.
  ۴. مصوب جلسه ۵۶۱ تاریخ ۱۳۷۲/۷/۱۵ - شماره ابلاغ ۱۲۰/۳۰۱۰/۲ تاریخ ۱۳۷۲/۸/۱۹ شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
  ۵. مصوب جلسه ۵۲۶ تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۱۰ - شماره ابلاغ ۱۲۰/۱۱۷۰۰ تاریخ ۱۳۷۰/۱۲/۶ شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
  ۶. مصوب جلسه ۱۲۵ کمیسیون معین تاریخ ۱۳۷۵/۱۰/۹ - شماره ابلاغ ۱۲۰/۱۶۴۸ تاریخ ۱۳۷۶/۲/۲۴ شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
  ۷. مصوب جلسه ۶۳۴ تاریخ ۱۳۷۸/۱/۱۹ - شماره ابلاغ ۱۲۰/۶۶۸/۱ تاریخ ۱۳۷۸/۲/۳ شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
  ۸. مصوب جلسه ۶۷۷ تاریخ ۱۳۸۱/۶/۷ - شماره ابلاغ ۱۲۰/۲۵۵۴/۸ تاریخ ۱۳۸۱/۶/۱۰ شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
  ۹. مصوب جلسه ۷۲۴ تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۵ - شماره ابلاغ ۱۲۰/۱۲۹۲ تاریخ ۱۳۸۴/۶/۱ شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
  ۱۰. مصوب جلسه ۷۷۲ تاریخ ۱۳۸۷/۵/۲۹ - شماره ابلاغ ۱۲۰/۱۱۴۰۴/۸ تاریخ ۱۳۸۷/۷/۳ شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
  ۱۱. مصوب جلسه ۷۸۸ تاریخ ۱۳۸۸/۲/۱ - شماره ابلاغ ۱۲۰/۱۶۸۴۵ تاریخ ۱۳۸۸/۵/۱۸ شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
  ۱۲. مصوبه جلسه ۷۲۴ تاریخ ۱۳۸۸/۶/۳ - شماره ابلاغ ۱۲۰/۱۹۲۵۷/۸ تاریخ ۱۳۸۸/۸/۲۳ شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.

- اساسنامه مدارس نمونه دولتی، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۹۰/۶/۱۰؛
- اساسنامه مدارس عشایری، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۹۳/۱۲/۱۱؛
- اساسنامه «سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان»، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۷/۷/۱۷<sup>۱</sup>.

### جمع‌بندی دوره چهارم

روند تنوع مدارس در دوره پس از انقلاب اسلامی در ابتدا نشانگر حذف تنوع مدارس است، اما پس از چند سال به دلایل بسیاری روند دوره‌های پیشین از سر گرفته شد و با محوریت شورای عالی آموزش و پرورش گونه‌های دیگری بر گونه‌های پیشین افزوده شد. مسائل اساسی مرتبط با تنوع مدارس در این دوره را می‌توان بدین صورت جمع‌بندی کرد:

۱. حذف گونه‌ها در ابتدای انقلاب و چالش‌های پس از آن، مسئله تنوع مدارس را به‌طور جدی در سطح سیاستگذاری آموزشی مطرح کرد که باید این تحول را خودآگاهی به مسائل و چالش‌های تنوع مدارس دانست.

۲. این خودآگاهی نتیجه دو مبنای اصلی بود که از تفکر انقلاب اسلامی ریشه می‌گرفت: اول **عدالت‌گستری**؛ دوم **مشارکت مردمی** در اداره جامعه.

۳. مدارس غیرانتفاعی یا غیردولتی، گونه‌ای از مدارس است که بیشترین بحث پیرامون عدالت و مشارکت را در پی داشته است و چالش‌های اساسی پس از انقلاب به این‌گونه خاص و مصوبات مربوط به آن باز می‌گردد. البته باز شدن راه مدارس غیرانتفاعی که با هدف ایجاد مشارکت مردمی در امر آموزش بود در نهایت از بیراهه‌هایی مانند مدارس وابسته به سازمان‌های دولتی سر در آورد که به سبک مدارس غیرانتفاعی اداره شده، اما از بودجه و امکانات دولتی به گروه خاصی از جامعه خدمات می‌دهند.

۴. به‌نظر می‌رسد در ابتدای انقلاب آن روایتی از عدالت که در زمینه تنوع مدارس بیشتر مقبول افتاد، روایت برابری فرصت‌ها بود، اما رفته‌رفته روایت عدالت به‌مثابه استحقاق (یا سنخیت استعداد با فرصت‌ها) هم راه خود را باز کرد. در مقابل مبنای مشارکت عمومی روندی را که تاکنون طی کرده است بیشتر نشانگر مشارکت مالی و اقتصادی است تا مشارکت از جهت تحول برنامه آموزشی و انعطاف در مدیریت و سنخیت یافتن آموزش مدرسه‌ای با شرایط و موقعیت محلی.

۵. تأسیس گونه‌های جدید مدارس در این دوره (مانند دوره‌های پیشین) با سهولت نسبی همراه است، اما وقتی گونه‌ای پدید آمد و چند سالی گسترش یافت دیگر حذف آن بسیار دشوار خواهد بود.

۱. اساسنامه «سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان» مشتمل بر یک مقدمه، ۴ فصل، ۱۷ ماده و ۸ تبصره، در جلسه ۸۱۲ مورخ ۱۳۹۷/۷/۱۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید.



### معیارهای درونی تعیین انواع مدرسه

معیارهای درونی تعیین انواع مدرسه، سه رکن اصلی مدرسه هستند: مؤسس مدرسه و مدیریت آن، دانش‌آموزان، محتوای آموزشی.

وجود این سه رکن برای شکل‌گیری و فعالیت هر مدرسه‌ای ضروری است و هریک دارای جایگاه و وظایف معینی هستند که براساس هدف و رسالت مدرسه (آموزش و پرورش) تعریف شده‌اند. در واقع معیارهای درونی، هم تعریف‌کننده انواع مدرسه‌ها هستند و هم مدارس براساس آنها دسته‌بندی می‌شوند.

این معیارها از واقعیت‌ها و اقتضات آموزش از طریق مدرسه به دست می‌آیند و مرور تاریخی بر انواع مدرسه آشکارکننده آنهاست. مطالعه تاریخی بر روند شکل‌گیری مدارس در نظام آموزشی مدرن ایران، نشان می‌دهد که انواع مدارس حداکثر در سه دسته جای می‌گیرند:

- **انواع مدارس با توجه به انواع مؤسس و مدیریت مدرسه؛ مثال: مدارس ملی، مدارس دولتی،**

- **انواع مدارس با توجه به انواع دانش‌آموز؛ دخترانه، پسرانه**

- **انواع مدارس با توجه به انواع برنامه‌درسی و محتوایی. هنرستان، مدارس حرفه‌ای**

هیچ نوع مدرسه‌ای خارج از این سه معیار اصلی در طول تاریخ آموزش مدرن ایران، قابل شمارش نیست.

### معیارهای بیرونی تعیین انواع مدرسه

هر نوع مدرسه‌ای فارغ از اینکه مبتنی بر کدام‌یک از معیارهای درونی سه‌گانه شکل گرفته باشد، انواع یا گونه‌های متعددی را شامل می‌شود که علت شکل‌گیری آنها، واقعیت‌هایی برخاسته از شرایط بیرونی مدرسه است. این واقعیت‌ها معیار و شاخص بیرونی تشکیل انواع مدرسه هستند و می‌توان آنها را به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

واقعیت‌های برخاسته از شرایط و ویژگی‌های دانش‌آموزان؛ همچون مدارس استثنایی

واقعیت‌های برخاسته از فلسفه سیاسی - اجتماعی و فرهنگی و شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه

ایران؛ همچون مدارس شاهد، مدارس اقلیت‌های مذهبی، هنرستان‌های صنعتی

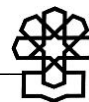
شاخص‌های درون‌مدرسه‌ای، شاخص‌های ثابت تعیین انواع مدارس هستند. اما شاخص‌های

برون‌مدرسه‌ای وابسته به شرایط جوامعند و به تبع آنها تغییر می‌کنند، لذا شاخص‌های متغیر تعیین

انواع مدارس هستند.

معیارهای بیرونی صورت‌بخش معیارهای درونی خواهند بود و نمی‌توانند خواستار نوعی از مدرسه

شوند که ناقض جایگاه و وظایف ارکان مدرسه با توجه به رسالت و هدف آن باشد. اینکه مدرسه



مؤسسی داشته باشد، دانش‌آموزان و محتوای آموزشی داشته باشد (معیارهای درونی) گریزناپذیر است، اما اینکه این مؤسس که باشد، چه گروه‌های اجتماعی امکان ثبت‌نام فرزندانشان را در مدارس ثبت (حتی گونه‌های خاص) ثبت‌نام کنند و اینکه در این مدارس چه محتوایی آموزش داده شود، مسئله‌ای است که در طول تاریخ معاصر در حال تغییر و تحول بوده و این تغییر و تحولات براساس نیازهای جامعه، تحولات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و مواردی از این دست که معیارهای بیرونی هستند رخ داده است. معیارهای بیرونی تعیین انواع مدرسه با بررسی هر دوره تاریخی کشف می‌شوند.

### سؤال دوم- دوره‌بندی تاریخی، عوامل و شرایط مؤثر بر شکل‌گیری یا حذف انواع مدارس چیست؟

دوره‌بندی تاریخی براساس شکل‌گیری انواع مدارس نشان می‌دهد که از آغاز ورود آموزش مدرن به ایران، چهار دوره تاریخی را می‌توان تشخیص داد:

- دوره پیش از مشروطیت که قانونی درباره آموزش و پرورش وجود ندارد. در این دوره تنوع مدارس از تحولات فکری و غلبه گفتمان خروج از عقب‌ماندگی متأثر است.

- دوره پس از مشروطیت (۱۲۸۵) تا آغاز جنگ جهانی دوم (۱۳۱۸) که با شکل‌گیری نهاد قانونگذاری، تصویب قوانینی مربوط به آموزش و پرورش آغاز می‌شود و شورای عالی معارف در سال ۱۳۰۰ هویت قانونی می‌یابد.

- دوره آغاز تحولات جنگ جهانی دوم (۱۳۱۸) تا پایان دوره پهلوی (۱۳۵۷) که تعدد مراجع تصمیم‌گیری و حضور آمریکایی‌ها در نظام آموزشی ایران در تعیین تنوع مدارس نقش اصلی را ایفا می‌کند.

- دوره پس از تأسیس جمهوری اسلامی که تغییر در گفتمان دینی- فرهنگی و تغییر و تحول در نهادهای قانونگذاری نقش اصلی را در تعیین معیارهای تنوع مدارس برعهده دارند.

انواع مدارس در دوره‌های چهارگانه با توجه به معیارهای شکل‌دهنده آنها در هر دوره تاریخی در

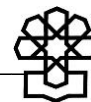
جدول زیر ارائه شده‌اند:

## جدول ۵. تنوع مدارس و معیارهای آن در دوره پیش از مشروطه

دوره تاریخی	معیارهای اصلی تنوع مدارس	گونه‌های تأسیس یافته	گونه‌های حذف شده	مراجع تصمیم‌گیری
پیش از مشروطیت	<ul style="list-style-type: none"> <li>• دین و اعتقاد مؤسسان</li> <li>• نوع مدیریت (ملی یا دولتی)</li> <li>• تفاوت‌های دانش‌آموزی</li> <li>• محتوا و برنامه آموزشی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مدارس اقلیت‌های دینی و مدارس مسلمانان (۲ نوع)</li> <li>• مدارس ملی و مدارس دولتی (۲ نوع)</li> <li>• مدرسه ابتدایی و متوسطه، مدارس مجانی، مدارس دخترانه و پسرانه، مدرسه استثنایی (۴ نوع)،</li> <li>• مدارس دارای برنامه آموزش تخصصی و حرفه‌ای (۱ نوع)</li> </ul>	----	<ul style="list-style-type: none"> <li>• به‌طور غیررسمی و توسط:</li> <li>• روحانیون و هیئت‌های اقلیت‌ها</li> <li>• شخصیت‌های حقیقی</li> <li>• وزارت معارف</li> </ul>

## جدول ۶. تنوع مدارس و معیارهای آن در دوره تأسیس مجلس قانونگذاری تا شروع جنگ جهانی دوم

دوره تاریخی	معیارهای اصلی تنوع مدارس	گونه‌های تأسیس یافته	مرجع تصویب	گونه‌های حذف شده (یا ادغام شده در دانشگاه تهران)
از تشکیل مجلس قانونگذاری تا جنگ جهانی دوم	قانونی بودن با مصوبه شورای عالی معارف	<ul style="list-style-type: none"> <li>بر اساس تفاوت‌های دانش‌آموزی</li> <li>• مدارس شبانه</li> <li>بر اساس محتوا و برنامه آموزشی</li> <li>• مدرسه صنعتی دولتی</li> <li>• مدارس مهندسی</li> <li>• مدرسه فنی پست</li> <li>• مدارس ابتدایی فلاحی</li> <li>• هنرستان ابتدایی و متوسطه موسیقی</li> <li>• دبیرستان‌های معقول و منقول</li> <li>• آموزشگاه‌های دامپزشکی</li> <li>• دانشسرای تربیت‌بدنی</li> <li>• هنرستان هنرپیشگی (مصوب سازمان پرورش افکار)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>همه مصوب شورای عالی معارف بجز هنرستان هنرپیشگی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مدرسه عالی حقوق</li> <li>• مدرسه عالی دامپزشکی</li> <li>• مدرسه عالی حقوق</li> <li>• دانشسرای عالی (تربیت معلم)</li> <li>• مدرسه طب (شعبه طب دارالفنون)</li> </ul>



## جدول ۷. تنوع مدارس و معیارهای آن در دوره از آغاز جنگ جهانی دوم تا پایان حکومت پهلوی

دوره تاریخی	معیارهای اصلی تنوع مدارس	گونه‌های تأسیس یافته	مرجع تصویب یا برنامه ریزی	گونه‌های حذف شده (یا تغییر جدی در گونه‌ها)
از تحولات جنگ جهانی دوم تا پایان دوره پهلوی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• قانونی بودن با مصوبه شورای عالی معارف</li> <li>• محوریت توسعه اقتصادی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>براساس تفاوت‌های دانش‌آموزی</li> <li>• مدارس عشایری</li> <li>• مدارس استثنایی</li> <li>• مدارس تیزهوشان</li> <li>براساس محتوا و برنامه آموزشی</li> <li>• مدرسه راهنمایی</li> <li>• آموزشگاه‌های خانه‌داری</li> <li>براساس نوع مدیریت</li> <li>• مدارس بین‌المللی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• شورای عالی فرهنگ</li> <li>• شورای عالی فرهنگ</li> <li>• شورای عالی فرهنگ</li> <li>• سازمان مطالعات و برنامه‌ها</li> <li>• دفتر اصل چهار ترومن</li> <li>•</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• حذف متوسطه اول، جایگزینی راهنمایی تحصیلی</li> <li>• تغییر در برنامه درسی و آموزشی به تبع آن</li> <li>• تغییر اساسی در ساختار هنرستان‌ها و مراکز فنی و حرفه‌ای</li> </ul>

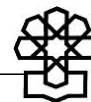
## جدول ۸. تنوع مدارس و معیارهای آن در دوره پس از انقلاب اسلامی

دوره تاریخی	معیارهای اصلی تنوع مدارس	گونه‌های تأسیس یافته	مرجع تصویب	گونه‌های حذف شده (یا تغییر جدی در گونه‌ها)
پس از انقلاب اسلامی	<ul style="list-style-type: none"> <li>قانونی بودن با مصوبه شورای عالی معارف</li> <li>محوریت توسعه اقتصادی</li> <li>عدالت‌گستری</li> <li>مشارکت مردمی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>براساس تفاوت‌های دانش‌آموزی</li> <li>• مدارس ایثارگران</li> <li>• مدارس شاهد</li> <li>• مدارس نمونه دولتی</li> <li>• مدارس تطبیقی</li> <li>• مدارس بین‌المللی جمهوری اسلامی</li> <li>• مدارس شبانه‌روزی</li> <li>براساس محتوا و برنامه آموزشی</li> <li>• دبیرستان‌های علوم و معارف اسلامی</li> <li>• مدارس ورزش</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• شورای عالی آموزش و پرورش</li> <li>• شورای عالی انقلاب فرهنگی</li> <li>• شورای عالی آموزش و پرورش</li> <li>• شورای عالی آموزش و پرورش</li> <li>• شورای عالی آموزش و پرورش</li> <li>• شورای عالی آموزش و پرورش</li> <li>• شورای عالی آموزش و پرورش</li> <li>• شورای عالی آموزش و پرورش</li> <li>• شورای عالی آموزش و پرورش</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مدارس بین‌المللی</li> <li>• مدارس ملی</li> </ul>

دوره تاریخی	معیارهای اصلی تنوع مدارس	گونه‌های تأسیس یافته	مرجع تصویب	گونه‌های حذف شده (یا تغییر جدی در گونه‌ها)
		<ul style="list-style-type: none"> <li>• براساس نوع مدیریت</li> <li>• مدارس غیرانتفاعی اسلامی</li> <li>• مدارس غیردولتی</li> <li>• مدارس هیئت امنایی</li> <li>• مدارس وابسته به سازمان‌های دولتی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• شورای عالی آموزش و پرورش</li> <li>• شورای عالی انقلاب فرهنگی</li> <li>• مجلس شورای اسلامی</li> <li>• شورای عالی آموزش و پرورش</li> <li>• شورای عالی آموزش و پرورش</li> </ul>	

**سؤال سوم - چه ملاحظاتی برای تصمیم‌سازی درباره پذیرش یا عدم‌پذیرش انواع مدارس لازم است؟**

۱. با توجه به واقعیت‌های برخاسته از شرایط و ویژگی‌های دانش‌آموزان، واقعیت‌های برخاسته از فلسفه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز شرایط اقتصادی حاکم و بر جامعه ایران، تنوع مدارس امری اجتناب‌ناپذیر است.
  ۲. تنوع مدارس نه از سر علاقه و سلیقه، بلکه مبتنی بر معیارها و ملاک‌های برخاسته از واقعیت‌ها است. به همین دلیل برای تأسیس یا حذف یک گونه مدرسه باید معیار آن به روشنی اعلام شود.
  ۳. شاخص‌های تنوع مدارس دو دسته هستند: شاخص‌های برخاسته از واقعیت مدرسه و منطق آموزشی که معیارهای درونی تأسیس مدرسه را تشکیل می‌دهند؛ معیارهای بیرونی برخاسته از شرایط محیطی، اجتماعی و سیاسی (مبناهای بیرونی تأسیس مدرسه).
  ۴. معیارهای درونی که انواع مدرسه را مشخص می‌کنند، با توجه به یافته‌های تاریخی عبارتند از: مرجع تأسیس و مدیریت مدرسه؛ دانش‌آموزان؛ نوع محتوای آموزشی.
  ۵. معیارهای بیرونی، واقعیت‌های بیرونی و از جنس عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هستند که هر یک یا در کنار هم موجب تأسیس یا حذف انواعی از مدرسه‌ها می‌شوند:
- معیار اول- باور به عقب‌ماندگی از غرب و لزوم رفع عقب‌ماندگی و نیل به پیشرفت؛
- معیار دوم- اهمیت مدرسه و تحصیل برای رفع عقب‌ماندگی و نیل به پیشرفت؛
- نتیجه: تأسیس مدرسه
- معیار سوم- به رسمیت‌شناختن و رعایت حقوق اهل کتاب؛



نتیجه: تأسیس مدرسه توسط هیئت‌های میسیونری مسیحی و اقلیت‌های مذهبی کشور معیار چهارم - وجود موانع و محدودیت همه‌جانبه برای گسترش آموزش در میان آحاد مردم و در کنار آن، تصمیم به رفع موانع و ایجاد فرصت تحصیل برای همه؛

نتیجه: تأسیس مدارس متناسب با انواع دانش‌آموزان (دختران/پسران، عادی/ناتوان، بی‌نیاز/ نیازمند حمایت، کودک/نوجوان/بزرگ‌سال)

شکل‌گیری انواع مدرسه براساس انواع دانش‌آموز: عادی (مدرسه عادی ابتدایی، مدرسه عادی متوسطه، مدرسه عادی اکابر)، مدرسه معلولان، مدرسه ایتام، تهی‌دستان، سادات، مدرسه دختران، روستایی، شبانه‌روزی

معیار پنجم - اهمیت دانش‌های تخصصی و فنی برای رفع عقب‌ماندگی و نیل به پیشرفت؛

نتیجه: تأسیس مدارس تخصصی

تأسیس انواع مدارس مبتنی بر نوع برنامه و محتوای آموزشی: مدارس با محتوای فنی - محتوای عالی یا تخصصی، تأسیس مدارس عمومی (محتوای پایه - نظری)، مدارس تخصصی (هنرستان، مدارس عالی)، مدارس عادی (دبیرستان)،

معیار ششم - قانون به‌منزله مبنای مشروعیت‌بخشی به انواع مدرسه؛

نتیجه: رسمیت و وجاهت قانونی بر انواع مدرسه با تصویب اجازه تأسیس، برنامه (پروگرام) و نظامنامه مدرسه توسط شورای عالی معارف و نهادهای تصمیم‌گیری دیگر؛

معیار هفتم - اولویت توسعه اقتصادی ایران؛

نتیجه: تغییر هدف و جهت‌گیری مدرسه برای تربیت نیروی کار شغلی، حرفه‌ای و فنی؛

معیار هشتم - گسترش مراجع تصمیم‌گیرنده و تفاوت در قدرت و نفوذ آنها (در هر دو دوره پهلوی<sup>۱</sup> و جمهوری اسلامی)<sup>۲</sup>؛

نتیجه: تأسیس انواع مدرسه با هدف‌های مختلف به‌واسطه قدرت و نفوذ (خارجی‌ها در دوره پهلوی، دارندگان حق تعیین بودجه وزارتخانه در سازمان برنامه و بودجه، صاحبان قدرت و نفوذ در مراجع تصمیم‌گیری در دوره جمهوری اسلامی)

معیار نهم - تحقق عدالت آموزشی؛

نتیجه: حذف مدارس ملی، تأسیس مدرسه‌های شبانه‌روزی و نمونه دولتی برای تأمین فرصت برابر کمی و جبران کاستی برای اقشار ناتوان از دستیابی به فرصت برابر

مبنای دهم - تحقق مشارکت مردمی؛

نتیجه: تأسیس مدارس غیر انتفاعی و غیردولتی؛

۱. دفتر اصل چهار، سازمان برنامه و بودجه، اداره مطالعات و تعلیمات، شورای عالی فرهنگ.  
۲. شورای انقلاب، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش.

مبنای یازدهم- تعهد به خانواده‌های شهدا و ایثارگران و لزوم تربیت نیروهای متعهد به ارزش‌ها و نمادهای انقلابی- اسلامی؛

نتیجه: تأسیس مدارس شاهد، مجتمع‌های رزمندگان و مدارس ایثارگران؛

نکته بسیار مهم این است که در طول دوره صدو هشتاد ساله ورود مدرسه جدید به ایران، هیچ‌یک از معیارهای تنوع‌بخشی به مدارس حذف نشده است و معیارهای پیشین تا امروز کماکان به رسمیت شناخته می‌شوند.

۶. تمام انواع مدارس در پایان دهه چهارم پیروزی انقلاب اسلامی، براساس معیارهای یازده‌گانه در

چارچوب معیارهای سه‌گانه درون مدرسه‌ای عبارتند از:

الف) انواع مدارس مبتنی بر شاخص مؤسس و مدیریت مدرسه:

۱. مدارس دولتی؛

۲. مدارس غیردولتی؛

۳. مدارس نمونه مردمی؛

۴. مدارس هیئت امنایی؛

۵. مدارس اقلیت‌های مذهبی؛

۶. مدارس وابسته به دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی

ب) انواع مدارس مبتنی بر شاخص نوع دانش‌آموزان:

۱. مدرسه عادی (ویژه دانش‌آموزان با توانایی‌های طبیعی)؛

۲. مدرسه کودکان استثنایی؛

۳. مدرسه تیزهوشان؛

۴. مدرسه‌های دخترانه یا پسرانه؛

۵. مدرسه‌های مقاطع مختلف تحصیلی- مبتنی بر مراحل رشد و یادگیری دانش‌آموزان (مدارس

ابتدایی، دبیرستان‌های متوسطه اول و متوسطه دوم)؛

۶. مدرسه نمونه دولتی (ویژه دانش‌آموزان مستعد کم بضاعت)؛

۷. مدرسه شبانه‌روزی (ویژه دانش‌آموزان روستایی و مناطق غیربرخوردار یا کم‌برخوردار)؛

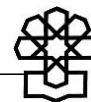
۸. مدرسه عشایری (ویژه دانش‌آموزان عشایری کوچ‌رو)؛

۹. مدارس شاهد (ویژه دانش‌آموزان وابسته به خانواده‌های شهدا به‌ویژه فرزندان شهدا)؛

۱۰. مدارس ایثارگران؛

۱۱. مدرسه تطبیقی.

ج) انواع مدارس مبتنی بر برنامه‌درسی و محتوای آموزشی:



۱. دبیرستان نظری؛

۲. هنرستان و مدارس کاردانش؛

۳. دبیرستان‌های علوم و معارف اسلامی؛

به این ترتیب، در حال حاضر انواع مدارس فعال ۲۰ نوع است. که توزیع آنها حاکی از گرایش‌هایی در نظام آموزشی و فرهنگ تحول در نهادهای تعیین‌کننده است و در ادامه شرح می‌شود.

### بخش چهارم - یافته‌های نهایی - ملاحظات لازم برای سیاستگذاری درباره تنوع‌بخشی یا حذف انواع مدارس

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برای مواجهه واقع‌بینانه و سیاستگذاری در موضوع تنوع مدارس و نسبت آن با تحقق عدالت آموزشی، توجه به ملاحظات زیر لازم است:

۱. موضوع تنوع‌بخشی یا حذف برخی مدارس با رویکرد تحول‌گرایی بنیادین در آموزش و پرورش ارتباط دارد؛ اما رویکرد موجود تنوع‌بخشی مانعی برای آن محسوب می‌شود و مستلزم تأمل است. بررسی نحوه توزیع انواع مدارس مبتنی بر معیارهای سه‌گانه این رویکرد را آشکار می‌سازد:

الف) انواع مدارس عمدتاً بر انواع دانش‌آموز متمرکز است نه انواع مدیریت و انواع محتوایی که می‌تواند زمینه‌ساز تحول باشد. توضیح آنکه از بیست نوع مدرسه فعال در دوره جمهوری اسلامی، تنها ۳ نوع مدرسه براساس نوع برنامه درسی و ۶ نوع مدرسه براساس مؤسس و مدیریت مدرسه وجود دارد و انواع مدرسه مبتنی بر نوع و ویژگی دانش‌آموزان بیش از دو برابر انواع مدرسه مبتنی بر سایر معیارها امکان تنوع یافته است. درحالی که حتی در گسترده‌ترین تنوع براساس انواع دانش‌آموز نیز بخش قابل‌توجهی از آن ناشی از ویژگی‌های انواع دانش‌آموزان و متکی بر منطق آموزش و بخشی بر منطق تحقق عدالت آموزشی استوار است و تنوع مدارس برخاسته از معیارهای بیرونی به‌ویژه ضرورت‌های تحول در آموزش و پرورش کمتر به رسمیت شناخته شده است.

ازسوی دیگر، دانش‌آموزان همواره جزء منفعل و گیرنده خدمات آموزشی در مدرسه هستند و ارکانی که می‌توانند به تحول بنیادین در مدرسه و نظام آموزشی کمک کنند، یعنی تنوع‌بخشی به مدارس از نظر انواع برنامه درسی و انواع مشارکت مردمی و مدیریتی در مدرسه و فرایندهای آموزش و پرورش در حاشیه قرار گرفته است. تنوع در هر دوی این معیارها محدود است و به رسمیت شناختن ۶ نوع مدرسه مبتنی بر مدیریت و مؤسس هم، مربوط به تأمین منابع مالی و سبک شدن بار مالی دولت

است و به اختیار ایجاد تنوع برنامه‌های درسی و برنامه‌ریزی آموزشی و واگذاری این مهم به مدارس منجر نمی‌شود.

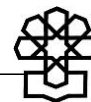
همین مقابله با تلاش‌های تنوع‌بخشی است که موجب شده است «شبه‌مدرسه‌هایی» به صورت غیررسمی شکل بگیرد تا الگوهای متفاوت با الگوی رسمی مدرسه را اجرایی کنند بدون اینکه امکان کیفیت و میزان کارایی آنها را فراهم شود و بتوان از تجربیات احتمالی موفق آنها در مدارس رسمی بهره‌برداری نمود.

**ب) توجه نهادهای قانونگذاری نیز بیشتر بر تنوع‌بخشی یا حذف مدارس براساس انواع دانش‌آموز و مدیریت است و از ظرفیت‌شان برای جهت‌دهی به سوی تحولات بنیادین استفاده نمی‌کند.** توضیح آنکه انواع مدارس که توسط مصوبات مراجع قانونگذاری مختلف تأسیس شده‌اند نیز بیشتر براساس انواع دانش‌آموز و انواعی که حذف شده‌اند، بیشتر براساس نوع مدیریت و مرجع تأسیس مدرسه بوده‌اند. این امر خود شاهد دیگری است که در مراجع قانونگذاری نیز حساسیت و دقت کافی در قبال تنوع‌بخشی در راستای زمینه‌سازی برای تحقق اصلاحات مؤثر و بنیادین در آموزش و پرورش وجود ندارد و این نهادهای قانونگذار از ظرفیت‌های خود برای جهت‌دهی به وزارت آموزش و پرورش و شورای عالی برای تحقق اصلاحات آموزشی به‌طور مؤثر استفاده نمی‌کنند.

۲. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که همواره تأسیس انواع مدارس بسیار راحت‌تر از حذف آنها بوده است. این امر، به‌ویژه در دوره جمهوری اسلامی ایران از مصادیق بیشتری برخوردار است. درحالی که ممکن است معیار پشتیبان تأسیس یک نوع مدرسه منتفی شده باشد و یا ارزیابی نتایج تأسیس نوع معینی از مدرسه لزوم تجدیدنظر در ادامه کار مدرسه را تأیید کند، به همین دلیل لازم است در تأسیس گونه‌های جدید، شرایط حذف گونه نیز در صورت رفع ضرورت آن، پیش‌بینی شود.

۳. با توجه به پیامدهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تأسیس یا حذف یک نوع مدرسه، برای تصمیم‌گیری در خصوص نوعی از مدرسه، اولین مبنا منطق آموزش و واقعیت‌های مدرسه است که معیارهای ثابت و اصیل تعیین انواع مدرسه هستند و ضمن آن، لازم است تا به نیازهای اساسی، پایدار و بلندمدت جامعه به‌عنوان مبناهای بیرونی اولویت داده شود وگرنه صرف وجود یک مبنای بیرونی برای تأسیس یا حذف یک نوع مدرسه، می‌تواند تصمیم و اقدامی مخاطره‌آمیز باشد.

۴. ضرورت دقت‌های فوق، استفاده از نهادهای مشورتی تخصصی نظیر وزارت آموزش و پرورش و متخصصان تعلیم و تربیت، نظارت، ارزیابی و پشتیبانی پژوهشی در تصمیم‌گیری‌های حوزه تنوع مدارس را الزامی می‌سازد. بخش‌های پژوهشی و کارشناسی وزارت آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و مراکز سیاستگذاری مراجع مناسبی برای بررسی‌های پژوهشی و مشورت‌های تخصصی هستند.



۵. یکی از چالش‌های اساسی کنونی در حوزه تنوع مدارس وجود مراجع سیاستگذاری و تصمیم‌گیری متنوعی است که بدون تعریف درست و مشخص در سطوح مختلف مسئله و گاه در تقابل با هم عمل می‌کنند و تهدیدهایی را برای یکپارچگی و حاکمیت فلسفه بنیادین مدرسه و رسالت آن در انواع مدرسه موجب می‌شوند.

۶. نسبت هر یک از مراجع تصمیم‌گیری با معیارهای تعیین انواع مدارس، می‌تواند ورود اصولی مراجع سیاستگذاری به تنوع مدارس را تعریف کند:

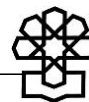
الف) مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی باید درباره مسائل کلان بیرون از آموزش و پرورش (یکی در حوزه مجموع اقتضات سیاستی - تقنینی و دیگری از منظر چشم‌انداز کلان فرهنگی) راهبری نمایند؛

ب) شورای عالی آموزش و پرورش به‌عنوان مرجع عالی سیاستگذاری در حوزه آموزش و پرورش عمومی و متوسطه از درون آموزش و پرورش یا مؤلفه‌های اساسی درونی مسئله را بررسی نماید. بر این اساس، با توجه به ضوابط قانونی موجود و نیز احاطه این نهاد در خصوص مسائل مبتلابه، مرجع تصمیم‌گیری درباره تنوع مدارس یا حذف مدارس، شورای عالی آموزش و پرورش باشد. اما زمانی که مسائل کلان سیاستگذاری (معیارهای بیرونی) مستلزم اقدامات آموزشی و احتمالاً تأسیس مدرسه هستند، مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی از وزارتخانه و شورای عالی آموزش و پرورش بخواهند تا بهترین روش پاسخگویی به این مطالبه و نیاز را بررسی و تصمیم‌گیری کنند. چه بسا یک راه‌حل مستقیم در قالب تأسیس مدرسه‌ای خاص بهترین راه‌حل نباشد و راه‌حل‌های مؤثرتری برای پاسخگویی به مطالبات سیاستی یا فرهنگی قابل تعریف باشد.

۷. دو مبنای اصلی انقلاب اسلامی یعنی عدالت‌گستری و مشارکت مردمی در دهه‌های مختلف چهل‌ساله، به‌گونه‌ای خوانش شده‌اند که مغایر با هم و در مقابل هم قرار داشته‌اند؛ درحالی که این دو لزوماً درمقابل هم نیستند. بلکه مشارکت مردمی چنانچه با رعایت ملاحظات لازم باشد، می‌تواند در تحقق عدالت آموزشی سهمیم باشد به گونه‌ای که در عین عدالت‌گستری، مشارکت مردمی را نیز به‌ویژه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی آموزش و پرورش افزایش دهد.

## منابع و مآخذ

۱. مرجانی، بهناز. سیر تکوینی آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران، تهران، معاونت فنی و حرفه‌ای آموزش و پرورش، ۱۳۷۳.
  ۲. رشديه، فخرالدین. زندگینامه پیر معارف، تهران، انتشارات هیمرند، ۱۳۷۰.
  ۳. قاسمی‌پویا، اقبال. مدارس جدید در دوره قاجار: بنیان و پیشروان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.
  ۴. پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، بررسی کارکردهای آشکار و پنهان تنوع و چندگونگی مدارس، شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۳.
  ۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گونه‌شناسی مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵.
  ۶. مینوی، مجتبی. اولین کاروان معرفت، مجموعه مقالات در نشریه یغما، مرداد تا آذر ۱۳۳۲.
  ۷. محبوبی اردکانی، حسین. دومین کاروان معرفت، نشریه یغما، بهمن‌ماه ۱۳۴۴.
  ۸. کریمیان، علی. مدارس جدید ایرانی از ۱۲۸۶ تا ۱۳۰۸، نامه پارسی، پاییز ۱۳۷۷.
  ۹. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اظهار نظر کارشناسی درباره حذف تنوع مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸.
  ۱۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گونه‌شناسی مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵.
  ۱۱. حکمت، علی‌اصغر. دانشگاه تهران چگونه به وجود آمد، نشریه وحید، تیرماه ۱۳۵۴.
  ۱۲. ستاری، جلال. سازمان پرورش افکار و هنرستان هنرپیشگی، مرکز، ۱۳۹۵.
  ۱۳. مشرف نفیسی. حسن. گزارش آقای مشرف نفیسی پیرامون سازمان برنامه، تهران، سازمان برنامه، ۱۳۲۶ و ۱۳۲۸.
  ۱۴. قائینی، زهره و محمدهادی، محمدی. تاریخ ادبیات کودکان ایران، جلد ۵، تهران، چیستا، ۱۳۹۶.
  ۱۵. ضیائی، ناصر. دوره راهنمایی تحصیلی، مکتب مام، تیرماه ۱۳۵۰.
  ۱۶. امیدوار، احمد. سیر تاریخی آموزش و پرورش استثنایی در ایران، تهران، پژوهشکده آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۷۸.
  ۱۷. هدف و وظایف و سازمان اداره مطالعات و برنامه‌ها، ماهنامه آموزش و پرورش، سال بیست‌وششم، شهریورماه ۱۳۳۶.
  18. Overseas Consultants. Report on seven-year Development Plan for the Plan Organization of the Imperial Government of Iran. V.2. Public health education. New York. 1949.
  19. Z. Pamela Karimi. *Transitions in Domestic Architecture and Home Culture in Twentieth Century Iran*. University of Arizona. 2003.
- مصوبات مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی**
۲۰. مجلس شورای ملی، قانون اساسی معارف، مصوب نهم عقرب ۱۲۹۰.
  ۲۱. مجلس شورای ملی، قانون شورای عالی معارف، مصوبه ۲۰ حوت ۱۳۰۰ شمسی.
  ۲۲. مجلس شورای ملی، قانون راجع به رسمیت مدارس ملی مصوب ۲۷ مهرماه ۱۳۰۹.
  ۲۳. مجلس شورای ملی، متمم نظامنامه‌های کمک خرج محصلین بی‌بضاعت و مدارس ملی مصوب کمیسیون معارف مصوب ۱۰ شهریورماه ۱۳۱۵.



۲۴. مجلس شورای ملی، نظامنامه کمک خرج مدارس ملی تهران، مصوب ۳ آذرماه ۱۳۱۳.
۲۵. مجلس شورای اسلامی، قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی، مصوب ۱۳۶۷/۰۳/۰۵.
۲۶. مجلس شورای اسلامی، قانون تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی، مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۲۱.
۲۷. قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی (مدارس اقلیت)، مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۹۵/۹/۱۴.

### مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش (معارف و فرهنگ سابق)

۲۸. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف. پروگرام تحصیلات ابتدایی، مصوب ۷ جوزای ۱۳۰۲.
۲۹. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، نظامنامه مکاتب دهکده، مصوب ۲۰ حوت ۱۳۰۲.
۳۰. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، دستور تحصیلات شش ساله ابتدایی نسوان، مصوب ۳۰ سنبله ۱۳۰۳.
۳۱. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، نظامنامه مکتب، مصوب ۲۰ دلو ۱۳۰۳.
۳۲. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، دستور تعلیمات دوره اول متوسطه، مصوب ۲۰ دلو ۱۳۰۳.
۳۳. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و پروگرام مدرسه صنعتی دولتی، مصوب ۱۵ جدی ۱۳۰۳.
۳۴. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، دستور تعلیمات متوسطه نسوان به ضمیمه تعلیمات اختصاصی دارالمعلمت، مصوب ۴ شهریورماه ۱۳۰۴.
۳۵. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، نظامنامه و دستور مدارس شبانه، مصوبه ۲۵ مردادماه ۱۳۰۵.
۳۶. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، پروگرام مدرسه مهندسی، مصوب ۲۹ شهریورماه ۱۳۰۶.
۳۷. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و دستور تحصیلات مدرسه عالی دواسازی، مصوب ۱ مهرماه ۱۳۰۹.
۳۸. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و دستور تحصیلات مدرسه عالی دندانسازی، مصوب ۲۲ مهرماه ۱۳۰۹.
۳۹. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، نظامنامه مدرسه فنی پست، مصوب ۲۵ خردادماه ۱۳۱۰.
۴۰. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، پروگرام مدارس شش کلاسی ابتدایی فلاحتی، مصوب ۲۵ بهمن ماه ۱۳۱۲.
۴۱. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و دستور تحصیلات دانشسراهای مقدماتی، مصوب ۱۹ اسفندماه ۱۳۱۲.
۴۲. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، نظامنامه و پروگرام کودکان، مصوب ۱۳۱۲.
۴۳. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و دستور تحصیلات دبیرستان تجارت، مصوب ۳ مردادماه ۱۳۱۳.
۴۴. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و برنامه هنرستان موسیقی، مصوب ۱۵ دی ماه ۱۳۱۵.
۴۵. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه دبیرستان های معقول و منقول، مصوب ۱۱ خردادماه ۱۳۱۶.
۴۶. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و برنامه آموزشگاه فنی افسری، مصوب ۱۶ شهریورماه ۱۳۱۶.
۴۷. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و برنامه و نظامنامه آموزشگاه های صنعتی پسران، مصوب ۱۳۱۷.
۴۸. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه و برنامه تحصیلات آموزشگاه دامپزشکی، مصوب ۳۱ خردادماه ۱۳۱۷.
۴۹. مجموعه مصوبات شورای عالی معارف، اساسنامه دانشسرای تربیت بدنی، مصوب ۱۵ شهریورماه ۱۳۱۷.
۵۰. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، آیین نامه مدارس غیردولتی، مصوب ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۸.
۵۱. مجموعه مصوبات شورای عالی فرهنگ، اساسنامه هنرستان ها، مصوب ۱۱ خردادماه ۱۳۳۷.
۵۲. مجموعه مصوبات شورای عالی فرهنگ، اساسنامه دبیرستان های کشاورزی، مصوب ۱۱ خردادماه ۱۳۳۷.
۵۳. مجموعه مصوبات شورای عالی فرهنگ، اساسنامه آموزشگاه های حرفه ای کشور، مصوب ۱ تیرماه ۱۳۳۷.

۵۴. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، اساسنامه مدارس ایثارگران (رزمندگان، جانبازان و آزادگان) / مصوب ۱۳۶۹/۰۷/۰۲.
۵۵. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، اساسنامه دبیرستان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی (وابسته به وزارت آموزش و پرورش)، مصوب ۱۳۷۲/۰۷/۱۵.
۵۶. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، اساسنامه مجتمع آموزشی تطبیقی، مصوب ۱۳۷۰/۱۱/۱۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۵۷. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، اساسنامه دبیرستان‌های کاردانش رشته بهیاری، مصوب ۱۳۷۵/۱۰/۰۹.
۵۸. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، اساسنامه مدارس شبانه‌روزی، مصوب ۱۳۷۸/۰۱/۱۹.
۵۹. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، نحوه تأسیس دبیرستان‌های علوم و معارف اسلامی، مصوب ۱۳۸۱/۰۶/۰۷.
۶۰. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، اساسنامه مدارس ورزش، مصوب ۱۳۸۷/۰۴/۲۵.
۶۱. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، اساسنامه مدارس بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۷/۰۵/۲۹.
۶۲. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش. آیین‌نامه توسعه مشارکت‌های مردمی به شیوه مدیریت هیئت امنایی در مدارس / مصوب ۱۳۸۸/۰۲/۰۱.
۶۳. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش. اساسنامه مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی وابسته به دستگاه‌های دولتی و سایر نهادهای عمومی / مصوب ۱۳۸۸/۰۶/۰۳.
۶۴. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، مدارس نمونه دولتی / مصوب ۱۳۹۰/۰۶/۱۰.
- مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی:**
۶۵. مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، اساسنامه طرح شاهد. مصوب ۱۳۶۹/۰۸/۲۹.
- اسناد کتابخانه و مرکز ملی اسناد.
۶۶. آرشیو ملی اسناد، شناسه سند: ۲۹۷/۱۷۲۴۳.
۶۷. آرشیو ملی اسناد، شناسه سند: ۲۹۷/۱۸۴۷۲.
۶۸. آرشیو ملی اسناد، شناسه سند: ۲۹۷/۱۲۱۱۳.
۶۹. آرشیو ملی اسناد، شناسه سند: ۲۹۷/۵۰۴۲۳.
۷۰. آرشیو ملی اسناد، شناسه سند: ۲۹۷/۵۰۴۲۳.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۷۰۵۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی تاریخی تنوع مدارس در ایران (ملاحظات سیاستگذاری)

نام دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ (گروه آموزش و پرورش و فنی و حرفه‌ای)

تهیه و تدوین کنندگان: شهین ایروانی، امیرحسین غفاری، علی قربانی

مدیر مطالعه: موسی بیات

ناظران علمی: صادق ستاری‌فرد، سینا کلهر

ویراستار تخصصی: سعیده باقری

واژه‌های کلیدی:

۱. تنوع مدارس
۲. گوناگونی مدارس
۳. عدالت آموزشی
۴. کیفیت آموزشی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۲/۳۰